

Investigating the Impact of Disclosure of Key Audit Matters on Financial Managers' Financial Judgment and Reporting

Javad Shekarkhah*

Corresponding Author. Associate Professor, Accounting Department, Faculty of Management and Accounting, Allame Tabataba'i University, Tehran, Iran. shekarkhah@atu.ac.ir

Abstract:

Since 2022, the disclosure of Key Audit Matters (KAMs) in the auditor's report has become mandatory in Iran. This study empirically examines whether the implementation of KAM disclosures in audit reports affects managers' financial reporting behavior. It is expected that increased transparency through KAM disclosures enhances accountability pressure and, consequently, reduces managers' propensity toward aggressive financial reporting, thereby improving reporting quality. The study also investigates whether the informational precision of KAM disclosures moderates the effect of KAM presence on reporting behavior. A 3×1 between-subject experimental design was employed. The dependent variable is the amount of goodwill impairment loss recognized, and the independent variable is KAM disclosure, manipulated at three levels: company-specific disclosure, non-company-specific disclosure, and no disclosure. The statistical population consists of accounting professionals, and participants were selected using an accessibility-based sampling approach. Data were collected in the summer of 2025. The final sample includes 120 participants, evenly distributed across three groups. The findings indicate that managers' tendency to make aggressive financial reporting decisions decreases when KAMs are disclosed. Moreover, greater informational precision in KAM disclosures strengthens their constraining effect on aggressive decision-making. Overall, the results suggest that KAM disclosure significantly improves financial reporting quality. These findings contribute to ongoing debates regarding the value relevance of the expanded auditor's report and extend the literature by focusing on the behavioral consequences of KAM disclosures for managers, whereas prior research has predominantly emphasized the reactions of financial statement users.

Keywords: Aggressive financial reporting, Impairment of goodwill, (Key audit matters), Management judgment

Copyrights



This license only allowing others to download your works and share them with others as long as they credit you, but they can't change them in any way or use them commercial.

بررسی تأثیر افشای مسائل عمده حسابرسی بر قضاوت و گزارشگری مالی مدیران مالی

جواد شکر خواه*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

چکیده:

در ایران از سال ۱۴۰۱، افشای مسائل عمده حسابرسی در گزارش حسابرس الزامی شده است. این پژوهش بررسی می‌کند که آیا این الزام، بر رفتار گزارشگری مدیران تأثیر می‌گذارد یا خیر. انتظار می‌رود که افزایش شفافیت از طریق افشای مسائل عمده حسابرسی موجب افزایش فشار پاسخگویی شود و در نتیجه، تمایل مدیران به گزارشگری مالی متهورانه کاهش یابد. همچنین، بررسی شده است که آیا دقت اطلاعاتی در بخش مسائل عمده حسابرسی می‌تواند اثر حضور مسائل عمده حسابرسی بر رفتار گزارشگری را تعدیل کند یا خیر. در این پژوهش از یک طرح آزمایشی 3×1 بین‌گروهی استفاده گردید. متغیر وابسته میزان شناسایی زیان کاهش ارزش سرقفلی و متغیر مستقل افشای مسائل عمده حسابرسی است که در سه سطح افشای با محتوای خاص، افشای با محتوای غیر خاص و عدم افشا دستکاری شده است. جامعه آماری پژوهش متشکل از شاغلین در حرفه حسابداری بوده است. انتخاب نمونه بر اساس دسترسی به افراد جامعه آماری صورت پذیرفت. کلیه اطلاعات پژوهش در تابستان سال ۱۴۰۴ گردآوری شده است. نمونه پژوهش شامل ۱۲۰ نفر است که در سه گروه به صورت یکسان توزیع شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تمایل مدیران به اتخاذ تصمیم‌های متهورانه در گزارشگری مالی با افشای مسائل عمده حسابرسی کاهش می‌یابد. همچنین با افزایش دقت اطلاعات افشا شده، اثر کاهنده آن بر تصمیم‌گیری متهورانه تقویت می‌شود. یافته‌های پژوهش نشانگر بهبود معنادار کیفیت گزارشگری مالی از طریق افشای مسائل عمده حسابرسی است. نتایج این پژوهش می‌تواند به بحث‌های در جریان در خصوص ارزش افزوده شکل جدید گزارش حسابرسی کمک نماید. همچنین این پژوهش از منظر نظری با تمرکز بر پیامدهای رفتاری افشای مسائل عمده حسابرسی بر مدیران، ادبیات غالب را که عمدتاً بر واکنش استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی متمرکز بوده است، بسط می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: قضاوت مدیران، کاهش ارزش سرقفلی، گزارشگری مالی متهورانه، مسائل عمده حسابرسی

*دانشیار، گروه حسابداری دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

پس از انتقاداتی نسبت به ارزش و اطلاع‌رسانی محدود گزارش‌های حسابرسی (کارچلو، ۲۰۱۲؛ ترنر و همکاران، ۲۰۱۰)، استانداردهاگذاران و نهادهای ناظر حسابرسی در سراسر جهان، از جمله هیئت نظارت بر حسابرسی شرکت‌های سهامی عام^۱ و هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان‌بخشی^۲، الگوی گسترش‌یافته برای گزارش حسابرسی را به‌منظور پاسخ به نگرانی‌ها درباره فقدان شفافیت در گزارش‌های حسابرسی توسعه داده‌اند (هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان‌بخشی، ۲۰۱۵؛ هیئت نظارت بر حسابرسی شرکت‌های سهامی عام، ۲۰۱۷). یکی از تغییرات مهم در اصلاحات هیئت نظارت بر حسابرسی شرکت‌های سهامی عام و هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان‌بخشی، پیاده‌سازی افشای «مسائل عمده حسابرسی»^۳ است؛ یکی از مزایای مهمی که از سوی نهادهای ناظر مورد تأکید قرار گرفته اما تاکنون در بررسی‌های پژوهشی نادیده گرفته شده است، اثربخشی مسائل عمده حسابرسی بر محیط گزارشگری مالی است (گلد و همکاران، ۲۰۲۰).

در ایران نیز از سال ۱۴۰۱ افشای مسائل عمده حسابرسی با هدف ارتقای ارزش اطلاعاتی گزارش حسابرسی الزامی شده است. مسائل عمده حسابرسی، مسائلی است که به قضاوت حرفه‌ای حسابرسی، در حسابرسی صورتهای مالی دوره جاری دارای بیشترین اهمیت بوده‌اند. حسابرسی باید از بین موضوعات اطلاع‌رسانی شده به ارکان راهبری، مسائلی را که مستلزم توجه خاص در انجام کار حسابرسی بوده است، تعیین کند (کمیته فنی سازمان حسابرسی، ۱۴۰۱). حسابرسان با شناسایی و بیان صریح مسائل عمده حسابرسی، درک روشن‌تری از چالش‌ها و عدم قطعیت‌های بااهمیتی که در جریان فرایند حسابرسی با آن مواجه می‌شوند، برای ذی‌نفعان فراهم می‌کنند. افشای این مسائل، به‌دلیل توضیحات تکمیلی ارائه‌شده، به سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران امکان می‌دهد تا بخش‌های پرریسک صورتهای مالی را بهتر شناسایی و تفسیر کنند (کاماچو و همکاران، ۲۰۲۳). این اطلاعات همچنین به سرمایه‌گذاران در ارزیابی دقیق‌تر عملکرد شرکت کمک می‌کند (کوهر و همکاران، ۲۰۲۰) و بر ادراک آن‌ها از ارزش افزوده حسابرسی و اعتبار حسابرسی تأثیرگذار است (مورونی و همکاران، ۲۰۲۰). افزون بر این، افشای مسائل عمده حسابرسی، توجه سرمایه‌گذاران را به اجزای مرتبط و کلیدی صورتهای مالی جلب می‌کند (سیروسی و همکاران، ۲۰۱۸). شواهد و پژوهش‌های موجود به‌روشنی نشان می‌دهد که گنجاندن

¹ Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB)

² International Auditing and Assurance Standards Board (IAASB)

³ key audit matters

مسائل عمده حسابرسی در گزارش حسابرِس، نقش یک منبع اطلاعاتی مکمل و قابل اتکا را برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی ایفا می‌کند (حیدری و مشایخ، ۱۴۰۴).

پیش‌بینی این پژوهش آن است که با «افشای مسائل عمده حسابرسی»، مدیران انتظار دارند که قضاوت‌هایشان بیش از حالتی که گزارش حسابرِس فاقد «افشای مسائل عمده حسابرسی» باشد، مورد بررسی دقیق سرمایه‌گذاران و حسابرسان قرار گیرد. یافته‌های ادبیات شفافیت افشا نشان می‌دهد که افزایش شفافیت، احتمال فعالیت‌های مدیریت سود را به دلیل افزایش ریسک شناسایی از سوی مشارکت‌کنندگان بازار کاهش می‌دهد (کسل و همکاران، ۲۰۱۵؛ هرست و هاپکینز، ۱۹۹۸؛ لی و همکاران، ۲۰۰۶). بنابراین، انتظار می‌رود که نگرانی ناشی از قضاوت‌های ثانویه، که از شفافیت بیشتر در گزارش حسابرِس ناشی می‌شود، سطح پاسخگویی مدیران را افزایش داده و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی را بهبود بخشد.

این پژوهش همچنین بررسی می‌کند که سطح دقت اطلاعاتی، چگونه بر رفتار گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد. بدین ترتیب، به نگرانی‌های نهادهای ناظر و سرمایه‌گذاران مبنی بر این که افشای مسائل عمده حسابرسی ممکن است به سرعت به افشاهایی استاندارد شده تبدیل شود و در نتیجه ارزش اطلاعاتی این بخش‌ها کاهش یابد (هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان‌بخشی، ۲۰۱۷) پاسخ داده می‌شود.

با وجود گسترش الزامات افشای مسائل عمده حسابرسی و افزایش پژوهش‌ها در این حوزه، تمرکز غالب مطالعات پیشین بر واکنش بازار سرمایه، ادراک سرمایه‌گذاران، مسئولیت قانونی حسابرسان و تغییرات در رفتار حسابرسان بوده است و شواهد اندکی درباره آثار رفتاری این افشاها بر قضاوت‌ها و رفتار گزارشگری مدیران ارائه شده است. در محیط ایران نیز، با وجود الزامی شدن افشای مسائل عمده حسابرسی از سال ۱۴۰۱، پژوهش‌های انجام‌شده عمدتاً به توصیف محتوا، فرآیند افشا یا واکنش استفاده‌کنندگان پرداخته‌اند و اثرات رفتاری این افشا بر تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی همچنان مغفول مانده است. این خلأ دانشی از آن جهت حائز اهمیت است که هدف اصلی اصلاحات گزارش حسابرسی، بهبود کیفیت گزارشگری مالی و ارتقای پاسخگویی مدیریت است. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر پیامدهای رفتاری افشای مسائل عمده حسابرسی و بررسی نقش سطح دقت اطلاعاتی افشا، در پی پوشش این شکاف و ارائه شواهدی برای پشتیبانی از تصمیم‌گیری نهادهای ناظر و تدوین‌کنندگان استاندارد است. هدف این پژوهش بررسی این موضوع است که آیا افشای مسائل عمده حسابرسی و سطح دقت آن می‌تواند بر قضاوت و تصمیم‌گیری مدیران مالی در خصوص گزارشگری مالی تأثیرگذار باشد یا خیر.

این پژوهش از چهار منظر دارای دانش‌افزایی و پیامدهایی برای پژوهش‌های حسابرسی و عمل حرفه‌ای حسابرسی است. نخست، در حالی که ادبیات اخیر عمدتاً پیامدهای مدل جدید

گزارشگری حسابرس را بر ادراک سرمایه‌گذاران و واکنش‌های بازار (بدارد و همکاران، ۲۰۱۸؛ بولاکی و کوییک، ۲۰۱۶؛ کریستنسن و همکاران، ۲۰۱۴؛ گوئیتز و همکاران، ۲۰۱۸؛ لنوکس و همکاران، ۲۰۱۹؛ سیروسی و همکاران، ۲۰۱۸؛ حیدری و مشایخ، ۱۴۰۴)، واکنش حسابرسان (اسبهر و رونک، ۲۰۱۹؛ رید و همکاران، ۲۰۱۹)، و مسئولیت قانونی حسابرسان (براسل و همکاران، ۲۰۱۶؛ گیمبار و همکاران، ۲۰۱۶؛ کاجلمایر، ۲۰۲۰) مورد بررسی قرار داده است، این مطالعه بر تأثیر افشای مسائل عمده حسابرسی بر رفتار گزارشگری مدیران تمرکز دارد؛ موضوعی که در ادبیات پژوهشی مرتبط با مسائل عمده حسابرسی نادیده گرفته شده است.

دوم، پیاده‌سازی بخش مسائل عمده حسابرسی در گزارش حسابرس موضوع بحث‌برانگیزی میان اعضای حرفه و نهادهای ناظر است. در حالی که طرفداران، از جمله هیئت نظارت بر حسابرسی شرکت‌های سهامی عام و هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان‌بخشی، بر ارزش مسائل عمده حسابرسی برای سرمایه‌گذاران به دلیل افزایش شفافیت در فرآیند حسابرسی تأکید دارند (هیئت نظارت بر حسابرسی شرکت‌های سهامی عام، ۲۰۱۷)، مخالفان، از جمله مؤسسات حسابرسی و تهیه‌کنندگان صورتهای مالی، نگران افزایش مسئولیت‌های قانونی هستند (تیسسیاک، ۲۰۱۴). با توجه به بحث‌های جاری درباره مزایای افشای مسائل عمده حسابرسی، این پژوهش می‌تواند برای نهادهای ناظر و تدوین‌کنندگان استاندارد در ارزیابی آثار اصلاحات صورت‌گرفته در گزارش‌های حسابرسی مفید باشد. به‌طور مشخص، این پژوهش با ارائه شواهد تجربی درباره آثار رفتاری افشای مسائل عمده حسابرسی بر قضاوت‌های گزارشگری مدیران، به نهادهای ناظر و تدوین‌کنندگان استاندارد امکان می‌دهد اثربخشی اصلاحات گزارش حسابرسی را از منظر پیامدهای رفتاری مقررات ارزیابی کنند.

سوم، این مطالعه به ادبیات گسترده مربوط به قضاوت و تصمیم‌گیری در زمینه گزارشگری مالی نیز کمک می‌کند. بر این اساس این پژوهش بینشی درباره فرآیندهای تصمیم‌گیری مدیریت ارائه می‌دهد و به درک این موضوع کمک می‌کند که آیا تهیه‌کنندگان صورتهای مالی مستقیماً تحت تأثیر الزامات جدید گزارش حسابرسی قرار می‌گیرند یا خیر.

چهارم، با توجه به نگرانی تدوین‌کنندگان استاندارد مبنی بر این‌که حسابرسان ممکن است از زبان استاندارد شده استفاده کنند که می‌تواند سودمندی اطلاعات اضافی در گزارش حسابرسی را کاهش دهد (هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان‌بخشی، ۲۰۱۷)، این مطالعه به این بحث کمک می‌کند و تأثیرات افشای مسائل عمده حسابرسی با سطوح مختلف دقت اطلاعاتی را بررسی می‌نماید.

در ادامه، مبانی نظری و پیشینه پژوهش تشریح شده و سپس فرضیه‌های آن طرح می‌گردد. سپس روش‌شناسی پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از آن یافته‌های پژوهش تبیین شده و در نهایت بحث و نتیجه‌گیری در خصوص یافته‌های پژوهش ارائه می‌گردد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

علیرغم تلاش‌های سازمانی در پیاده‌سازی ساختار حاکمیتی، کدهای سختگیرانه اخلاقی و برنامه‌های آموزشی، رفتار غیراخلاقی مدیران به شکل دستکاری سود در سازمان‌ها هنوز هم ادامه دارد (آقایی و همکاران، ۱۴۰۱). نظریه نمایندگی پیش‌بینی می‌کند که مدیران در شرایطی که رفتار آن‌ها قابل مشاهده نیست و پیامدهای شدیدی مانند آسیب‌های اعتباری و از دست دادن شغل در اولویت دوم قرار دارند، به اقداماتی دست می‌زنند که منفعت شخصی آن‌ها را، در ازای زیان دیگران، حداکثر می‌سازد (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶؛ کوتوویتز، ۲۰۰۸). پژوهش‌های پیشین نیز با این دیدگاه هم‌راستا هستند و نشان می‌دهند که مدیران از انعطاف‌پذیری موجود در انتخاب‌های حسابداری برای تأثیرگذاری عمدی بر نتایج گزارش‌های مالی، به‌منظور کسب منافع شخصی، استفاده می‌کنند؛ به‌ویژه در مواقعی که به دلیل شفافیت کمتر گزارشگری، توانایی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی برای شناسایی فعالیت‌های مدیریت سود پایین است (کسل و همکاران، ۲۰۱۵؛ هرست و هاپکینز، ۱۹۹۸؛ لی و همکاران، ۲۰۰۶).

یکی از سازوکارهای کلیدی برای دستیابی به شفافیت و پاسخگویی بیشتر، الزام افشای مسائل عمده حسابرسی در گزارش حسابرس مستقل بر اساس استاندارد حسابرسی ۷۰۱ است. این افشاگری با برجسته‌سازی حوزه‌های دارای قضاوت عمده، ریسک بالا یا پیچیدگی در برآوردها و سیاست‌های حسابداری، توجه را به نقاطی جلب می‌کند که مدیران در آن‌ها از انعطاف‌پذیری قابل‌توجهی برخوردار بوده‌اند. ادبیات پیشین نشان می‌دهد که شفافیت ناشی از چنین افشاگری‌هایی می‌تواند پاسخگویی مدیران را افزایش دهد؛ به‌ویژه زمانی که مدیران نگران ارزیابی و بازخواست توسط ذی‌نفعان خارجی (سرمایه‌گذاران، نهادهای نظارتی و حسابرس) هستند (رز و همکاران، ۲۰۱۳). در واقع، افشای مسائل عمده حسابرسی می‌تواند به‌عنوان یک علامت قوی از نظارت حسابرس عمل کند و مدیران را وادار سازد تا تصمیمات گزارشگری خود را با دقت و محافظه‌کاری بیشتری اتخاذ نمایند.

این مکانیسم پاسخگویی را می‌توان بر پایه مدل اقتضایی اجتماعی قضاوت و انتخاب تتلاک تبیین کرد (تتلاک، ۱۹۸۳؛ ۱۹۸۵). بر اساس این مدل، زمانی که افراد انتظار دارند تصمیمات خود را نزد دیگران توجیه کنند، پردازش اطلاعات دقیق‌تر، سیستماتیک‌تر و خودانتقادی‌تر می‌شود. افراد پاسخگو تمایل بیشتری به بررسی گزینه‌های متعدد، پیش‌بینی انتقادات احتمالی و انتخاب تصمیماتی دارند که قابلیت دفاع بیشتری نزد مخاطبان خارجی داشته باشند (تتلاک و

بوتگر، ۱۹۸۹؛ تتلاک و لرنر، ۱۹۹۹؛ اشتون، ۱۹۹۲؛ کیم و تروتمن، ۲۰۱۵). پژوهش‌های روان‌شناسی و حسابداری نیز تأیید می‌کنند که فشار پاسخگویی منجر به کاهش پردازش خودکار و فرصت‌طلبانه اطلاعات (راس و همکاران، ۲۰۱۲)، افزایش دقت قضاوت (روزل و بکستر، ۱۹۸۱؛ سیگل-جیکوبز و یتس، ۱۹۹۶) و کاهش رفتارهای سودجویانه در شرایط مخاطرات اخلاقی می‌گردد (پیتسا و تائو، ۲۰۱۳).

در حوزه حسابداری، مطالعات نشان داده‌اند که افزایش پاسخگویی می‌تواند گزارشگری متهورانه را محدود کند (آگولیا و همکاران، ۲۰۱۱؛ لیبی و همکاران، ۲۰۰۴). با این حال، شواهد مستقیم درباره نقش افشای مسائل عمده حسابرسی در ایجاد این فشار پاسخگویی بر مدیران مالی محدود بوده است.

بنابراین، مدل مفهومی پژوهش حاضر بر این مبنا شکل گرفته است که افشای مسائل عمده حسابرسی از طریق افزایش احساس پاسخگویی مدیران (بر پایه نظریه تتلاک) و کاهش انگیزه‌های فرصت‌طلبانه (بر پایه نظریه نمایندگی و شواهد شفافیت)، احتمال اتخاذ تصمیمات گزارشگری مالی متهورانه را کاهش می‌دهد. این اثر کاهشی در مواردی قوی‌تر خواهد بود که مسائل عمده حسابرسی مربوط به تصمیم‌گیری، اطلاعات خاص شرکت را برجسته کند؛ زیرا در این حالت، امکان شناسایی و انتقاد مستقیم از تصمیم‌گیر توسط ذی‌نفعان خارجی بیشتر است و فشار توجیه‌پذیری تصمیم‌گیر افزایش می‌یابد. در مقابل، هنگامی که مسائل عمده حسابرسی حاوی اطلاعات غیر خاص (عمومی یا صنعت‌محور) باشد، علامت نظارت ضعیف‌تر بوده و اثر بازدارندگی کمتر خواهد بود.

پیشینه پژوهش‌های خارجی

کچلمایر و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که سرمایه‌گذاران نسبت به صورت‌های مالی‌ای که حسابرس برای آن‌ها یک «مسئله عمده حسابرسی» افشا کرده است، اعتماد کمتری دارند. افزون بر این، نتایج پژوهش حاکی از آن است که در مواردی که چنین مسائلی افشا می‌شوند، میزان مسئولیت حسابرس در قبال تحریفات موجود در آن بخش از صورت‌های مالی کاهش می‌یابد. کارور و ترینکل (۲۰۱۷) به این نتیجه دست یافتند که افشای مسائل عمده حسابرسی، سبب کاهش خوانایی گزارش‌های حسابرسی می‌شود و بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و ارزشیابی شرکت‌ها تأثیر چندانی ندارد.

گوتیرز و همکاران (۲۰۱۸) به شواهدی دال بر آن که الزام به افشای مسائل عمده حسابرسی تأثیر معناداری بر واکنش سرمایه‌گذاران به انتشار گزارش حسابرس، حق‌الزحمه حسابرسی یا

کیفیت حسابرسی داشته باشد، دست نیافته است. در مجموع، این شواهد با این تفسیر هم‌خوان است که گزارش حسابرسان بسط‌یافته اطلاعات افزوده چندانی برای سرمایه‌گذاران فراهم نمی‌کند. الیوت و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند که گزارش حسابرسان بسط‌یافته به عنوان سازوکاری برای ارتقای کیفیت گزارشگری مالی، سبب افزایش تمایل سرمایه‌گذاران به پرداخت مبلغ بیشتر برای سهام شرکت می‌شود. آنها همچنین نشان دادند که سرمایه‌گذاران، گزارش حسابرسان بسط‌یافته را به‌عنوان رفتاری همکاری‌آمیز درک می‌کنند.

راپلی و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی این موضوع پرداختند که قضاوت‌های سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای چگونه تحت تأثیر افشای مسائل عمده حسابرسان قرار می‌گیرد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که افشای مسائل عمده حسابرسان، موجب کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری می‌شود. نتایج همچنین نشان می‌دهد که برداشت سرمایه‌گذاران از ریسک تحریف بااهمیت و اعتبار افشای مدیریت، اثر افشای مسائل عمده حسابرسان بر تمایل به سرمایه‌گذاری را میانجی‌گری می‌کند. بکاف و همکاران (۲۰۲۲) بیان کردند که افشای مسائل عمده حسابرسان تنها برای استفاده‌کنندگان حرفه‌ای دارای محتوای اطلاعاتی است و می‌تواند به بهبود تصمیم‌گیری آن‌ها کمک کند، در حالی که برای استفاده‌کنندگان غیرحرفه‌ای، محتوای اطلاعاتی قابل‌توجهی ندارد. کارور و همکاران (۲۰۲۳) به شواهدی دست یافتند که نشان می‌دهد افشای مسائل عمده حسابرسان موجب افزایش برداشت از اعتبار حسابرسان می‌شود؛ با این حال، این افشا پیامد ناخواسته‌ای نیز دارد و آن افزایش احساس بار اطلاعاتی در میان سرمایه‌گذاران است. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که افشای مسائل عمده حسابرسان، تأثیر کلی مثبت و معناداری بر برداشت از کیفیت حسابرسان دارد و این برداشت بالاتر از کیفیت حسابرسان به نوبه خود درک سرمایه‌گذاران از ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد.

ویگو و همکاران (۲۰۲۴) شواهدی به‌دست آورده است که نشان می‌دهد در دوره پس از الزام به افشای مسائل عمده حسابرسان نسبت به دوره پیش از آن، حجم معاملات غیرعادی و ضرایب واکنش سود افزایش یافته‌اند و در مقابل، هم‌حرکتی قیمت سهام کاهش یافته است. آزمون‌های تکمیلی نشان می‌دهد که مسائل عمده حسابرسان برای شرکت‌های غیردولتی، شرکت‌های کوچک‌تر و شرکت‌هایی با تعداد کمتر تحلیل‌گران پیگیرکننده، آگاهی‌بخش‌تر هستند.

دال و همکاران (۲۰۲۵) مسائل عمده حسابرسان را از دو منظر نظریه تصمیم‌گیری رفتاری و مشروعیت مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که اکثریت مسائل عمده حسابرسان بیشتر جنبه نمادین دارند تا محتوایی. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حق‌الزحمه کل، مدت همکاری و تخصص حسابرسان، همگی عواملی هستند که حسابرسان را ترغیب می‌کنند تا از طریق مسائل عمده حسابرسان ماهوی‌تر، مشروعیت حرفه‌ای خود را تقویت کنند.

کامران و کامپا (۲۰۲۵) به این نتیجه دست یافتند که تعداد مسائل عمده حسابرسی با هزینه‌های حسابرسی، تأخیر در گزارش حسابرسی و احتمال صدور اظهارنظر تعدیل‌شده، ارتباط مثبت دارد. علاوه بر این، پژوهش مستند می‌سازد که هر دو نوع مسائل عمده حسابرسی مرتبط با ریسک‌های سطح واحد تجاری و ریسک‌های سطح حساب، با هزینه‌های حسابرسی ارتباط مثبت دارند.

پیشینه پژوهش‌های داخلی

قائمی و همکاران (۱۴۰۳) به بررسی محتوا و عوامل موثر بر افشای مسائل عمده حسابرسی در نخستین سال اجرای استاندارد ۷۰۱ حسابرسی در ایران اقدام نمودند. نتایج پژوهش نشان داد که «معاملات با اشخاص وابسته» و «شناخت درآمد» مهم‌ترین مسائلی است که در گزارش‌های حسابرسی سال مالی منتهی به پایان اسفند ۱۴۰۱ انعکاس یافته است. تعداد مسائل عمده مندرج در گزارش‌های حسابرسی، تحت تأثیر اندازه مؤسسه حسابرسی، نوع اظهارنظر حسابرسی و پیچیدگی واحد تجاری مورد رسیدگی قرار نگرفته است.

ختن‌لو و همکاران (۱۴۰۳) با بررسی تأثیر تنوع جنسیتی شریک مؤسسه حسابرسی بر افشای مسائل عمده حسابرسی به این نتیجه دست یافتند که حضور شرکای حسابرسی زن در پروژه حسابرسی منجر به افشای بیشتر مسائل عمده حسابرسی شده است. همچنین نتایج پژوهش حاکی از آن است که سایر ویژگی‌های حسابرسی مانند تغییر حسابرسی و دوره تصدی حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری بر افشای مسائل عمده حسابرسی دارند.

اسکند و صافدل (۱۴۰۳) به بررسی فرآیند افشای مسائل عمده حسابرسی در گزارش حسابرسی با بکارگیری نظریه داده بنیاد پرداختند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد، علت اصلی نیاز به افشای مسائل عمده حسابرسی، همگامی با مراجع بین‌المللی در جهت افزایش محتوای اطلاعاتی گزارشات حسابرسی و الزام آن از سوی سیاست‌گذاران حرفه بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد فرآیند افشای مسائل عمده حسابرسی در ایران تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله داشته و با چالش‌های اساسی نظیر چالش‌های استفاده‌کنندگان، استانداردها و حرفه‌ای مواجه است.

افخمی و فاضلی (۱۴۰۳) به بررسی تأثیر تأثیر افشای مسائل عمده حسابرسی در گزارش حسابرسی مستقل بر حق الزحمه حسابرسی و تأخیر در صدور گزارش حسابرسی پرداختند و نشان دادند که گنجاندن مسائل عمده حسابرسی در گزارش‌های حسابرسی مستقل منجر به تأخیر در صدور گزارش حسابرسی می‌شود.

شاهسوند و همکاران (۱۴۰۴) نشان دادند که در سطح کل صنایع و در بیش‌تر گروه صنایع، افشای مسائل عمده حسابرسی موجب تأخیر در صدور گزارش حسابرسی می‌شود؛ اگرچه این

تأثیر در اولین سال اجرای استاندارد چندان محسوس نبوده است اما به نظر می‌رسد در سال دوم اجرای استاندارد، این تأثیر افزایش یافته است.

حیدری و مشایخ (۱۴۰۴) به بررسی پیامدهای افشای مسائل عمده حسابرسی بر قضاوت و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران با استفاده از طرح آزمایش با طرح عاملی 2×2 بین گروهی پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مسائل عمده حسابرسی بر قضاوت و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران حرفه‌ای تأثیرگذار و تمایل آنها جهت سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد، اما بر قضاوت و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای تأثیر ندارد.

ختن‌لو و همکاران (۱۴۰۴) دیدگاه حسابرسان درباره نحوه افشای مسائل عمده حسابرسی در گزارش حسابرس مستقل را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که توضیحات فعلی استاندارد ۷۰۱ به اندازه کافی واضح نیست و به برخی از حسابرسان در شناسایی صحیح تمامی مسائل عمده حسابرسی از میان مسائل مختلفی که در طول حسابرسی خود با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند، کمک نمی‌کند. همچنین حسابرسان هنگام طبقه‌بندی مسائل بند تأکید بر مطلب خاص نیز، دچار اختلاف برداشت هستند.

در مجموع، مرور مطالعات داخلی انجام‌شده در ایران پس از الزام استاندارد حسابرسی ۷۰۱ نشان‌دهنده توجه پژوهشگران بر چند محور محدود است که عبارتند از: محتوا و الگوهای افشای مسائل عمده (قائمی و همکاران، ۱۴۰۳)، عوامل تعیین‌کننده سطح افشا از جمله ویژگی‌های حسابرس و دوره تصدی یا تغییر حسابرس (ختن‌لو و همکاران، ۱۴۰۳)، چالش‌های اجرایی و کیفی فرآیند افشا از دیدگاه حسابرسان (اسکند و صافدل، ۱۴۰۳؛ ختن‌لو و همکاران، ۱۴۰۴)، و پیامدهای افشا بر متغیرهای کلیدی مانند تأخیر در صدور گزارش (افخمی و فاضلی، ۱۴۰۳؛ شاهسون و همکاران، ۱۴۰۴)، حق‌الزحمه حسابرسی، و قضاوت و تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان (حیدری و مشایخ، ۱۴۰۴). با وجود جامعیت نسبی این مطالعات در پوشش جنبه‌های مختلف الزام جدید استاندارد ۷۰۱، چند نقطه ضعف و شکاف مهم در ادبیات داخلی مشهود است. نخست، بیشتر پژوهش‌ها بر داده‌های سال‌های ابتدایی اجرا (به‌ویژه ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲) دوم، مطالعات کیفی (مانند اسکند و صافدل، ۱۴۰۳ و ختن‌لو و همکاران، ۱۴۰۴) بر ابهامات استاندارد و اختلاف برداشت حسابرسان تأکید دارند، اما پژوهش‌های کمی اندکی به سنجش مستقیم تأثیر این ابهامات بر یکنواختی افشا یا مقایسه‌پذیری گزارش‌ها میان شرکت‌ها و مؤسسات حسابرسی پرداخته‌اند. در حوزه پیامدهای رفتاری افشای مسائل عمده حسابرسی نیز، تمرکز اصلی پژوهش‌های داخلی تاکنون بر تأثیر آن بر قضاوت و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران (حیدری و مشایخ، ۱۴۰۴) بوده و شواهد تجربی یا تجربی-آزمایشی اندکی درباره تأثیر این افشای مسائل عمده بر قضاوت و تصمیم‌گیری مدیران مالی (به عنوان تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی و مسئول اصلی

برآوردها و قضاوت‌های حسابداری) ارائه شده است. بنابراین، ادبیات داخلی هنوز در مرحله توصیفی و شناسایی اولیه پیامدهای افشا بر استفاده‌کنندگان خارجی قرار دارد و به تحلیل‌های عمیق‌تر علی در خصوص تأثیر آن بر تصمیم‌گیری داخلی مدیران مالی نرسیده است. پژوهش حاضر با تمرکز بر اثر افشای مسائل عمده حسابرسی بر قضاوت و تصمیم‌گیری مدیران مالی، تلاش می‌کند بخشی از این شکاف مهم را پر کند و به درک بهتری از مکانیسم‌های رفتاری و گزارشگری ناشی از اجرای استاندارد ۷۰۱ در سطح داخلی شرکت‌ها کمک نماید.

۳- فرضیه‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های ادبیات شفافیت افشا و نظریه پاسخگویی، انتظار می‌رود که تمایل مدیران به اتخاذ تصمیم‌های متهورانه در گزارشگری مالی در صورت وجود یک بند افشای مسائل عمده حسابرسی مرتبط با آن رفتار گزارشگری متهورانه، نسبت به زمانی که چنین بندی وجود ندارد، کاهش یابد؛ زیرا احتمال شناسایی رفتار متهورانه افزایش می‌یابد.

نخست، ممکن است مدیران به دلیل افزایش پیش‌بینی‌شده سطح بررسی و ارزیابی از سوی حسابرِس، رفتار گزارشگری خود را تغییر دهند. اگر حسابرِس پیش‌تر موضوع خاصی را به‌عنوان یک بندی افشای مسائل عمده حسابرسی در گزارش حسابرسی افشا کرده باشد، به‌طور منطقی می‌توان فرض کرد که آن حوزه در حسابرسی سال مالی بعد نیز مورد توجه خواهد بود. مدیران احتمالاً انتظار دارند که حسابرِس زمان و منابع بیشتری را صرف بررسی کفایت افشاهای مرتبط با افشای مسائل عمده حسابرسی در صورت‌های مالی نماید. از آنجا که گزارش افشای مسائل عمده حسابرسی بر عهده حسابرِس است، منطقی است که خود حسابرِس نیز سطح بررسی و تردید حرفه‌ای خود را افزایش دهد (اسبهر و رونک، ۲۰۱۹؛ هیئت نظارت بر حسابرسی شرکت‌های سهامی عام، ۲۰۱۷). از این رو، انتظار می‌رود که مدیران در صورت افشای مسائل عمده حسابرسی مرتبط با تصمیم گزارشگری فعلی‌شان در گزارش حسابرسی سال قبل، رفتاری محتاطانه‌تر و کمتر تهاجمی در پیش بگیرند؛ چراکه انتظار دارند قضاوت‌هایشان با دقت بیشتری از سوی حسابرِس بررسی شود.

دوم، مدیران همچنین ممکن است به دلیل توجه بیشتر سرمایه‌گذاران به رفتار گزارشگری آن‌ها، این رفتار را تغییر دهند. پژوهش سیروسی و همکاران (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران توجه بیشتری به افشاهای مربوط به مسائل عمده حسابرسی در صورت‌های مالی دارند. به‌دلیل برجستگی این حوزه‌های حسابرسی، منطقی است که توانایی سرمایه‌گذاران در شناسایی رفتار گزارشگری مالی متهورانه افزایش یابد. از آنجا که مدیران در شرایطی که احتمال شناسایی بالاتر است، کمتر به تصمیمات گزارشگری تهاجمی تمایل دارند (رز و همکاران، ۲۰۱۳)، می‌توان انتظار داشت که مدیران رویکردی محافظه‌کارانه‌تر در قبال حوزه‌هایی اتخاذ کنند که

به‌عنوان مسائل عمده حسابداری در گزارش حسابرس افشا شده‌اند. به‌واسطه افزایش شفافیت، مدیران ممکن است از آن‌که رفتار آن‌ها به‌عنوان تصمیم‌های خودمحرورانه تلقی شود نگران باشند و از آسیب‌های اعتباری احتمالی هراس داشته باشند. در نتیجه، انتظار دارند که سرمایه‌گذاران با دقت بیشتری مسائل شناسایی شده در قالب مسائل عمده حسابداری را بررسی کنند و در واکنش به این انتظار، کیفیت گزارشگری خود را افزایش دهند (هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام، ۲۰۱۷). همچنین، مدیران ممکن است از افشای برخی حوزه‌های صورت‌های مالی در گزارش حسابرس واهمه داشته باشند و در نتیجه، تحت تأثیر «تهدید به افشا»^۱، تصمیم‌های گزارشگری خود را تغییر داده و رویکردی محافظه‌کارانه‌تر در پیش بگیرند (رید و همکاران، ۲۰۱۹). در مجموع، در نتیجه افزایش نظارت مورد انتظار از سوی هم حسابرس و هم سرمایه‌گذاران، پیش‌بینی می‌شود که شفافیت بیشتر از طریق افشای مسائل عمده حسابداری توسط حسابرس و افزایش پاسخگویی مدیریتی منجر به ارزیابی انتقادی‌تر و دقیق‌تر گزینه‌های تصمیم‌گیری شود و در نهایت، به بهبود کیفیت گزارشگری مالی بینجامد (گینور و همکاران، ۲۰۰۶). از این رو، فرضیه اول پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود:

فرضیه اول) بین افشای مسائل عمده حسابداری مرتبط با حوزه تصمیم‌گیری و احتمال اتخاذ تصمیم گزارشگری مالی متهورانه، رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

همچنین، شواهد اولیه به‌دست‌آمده از گزارش‌های حسابداری در بریتانیا نشان می‌دهد که بندهای مسائل عمده حسابداری افشاشده، از نظر تعداد کلمات و میزان جزئی‌نگری در اطلاعات ریسک افشاشده، تفاوت دارند (شورای گزارشگری مالی، ۲۰۱۶). این یافته‌ها با نگرانی‌های نهادهای نظارتی و سرمایه‌گذاران هم‌راستا هستند که ممکن است افشای بندهای مسائل عمده حسابداری به‌سرعت به سمت افشای استانداردشده میل کند و در نتیجه، ارزش اطلاعاتی آن‌ها کاهش یابد. از آنجا که گرایش سرمایه‌گذاران به بازنگری در قضاوت‌های مدیریتی ممکن است با سطح دقت اطلاعات ارائه‌شده تغییر کند، در این پژوهش بررسی می‌کنیم که چگونه سطح دقت اطلاعات در بندهای مسائل عمده حسابداری افشاشده در گزارش حسابرس، اثربخشی آن‌ها در رفتار گزارشگری مالی را تعدیل می‌کند.

ادبیات پیشین در حوزه افشای متنی که بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران تمرکز دارد، نشان داده است که افشای ریسک با سطح جزئیات بالا باعث واکنش قوی‌تر سرمایه‌گذاران می‌شود؛ چرا که آن‌ها قادرند اطلاعات با دقت بیشتر را بهتر پردازش، ارزیابی و راستی‌آزمایی کنند (هرشلیفر و تئو، ۲۰۰۳). شواهد پژوهش‌های پیشین با این دیدگاه هم‌راستا هستند و نشان می‌دهند که دقت

¹ threat of disclosure

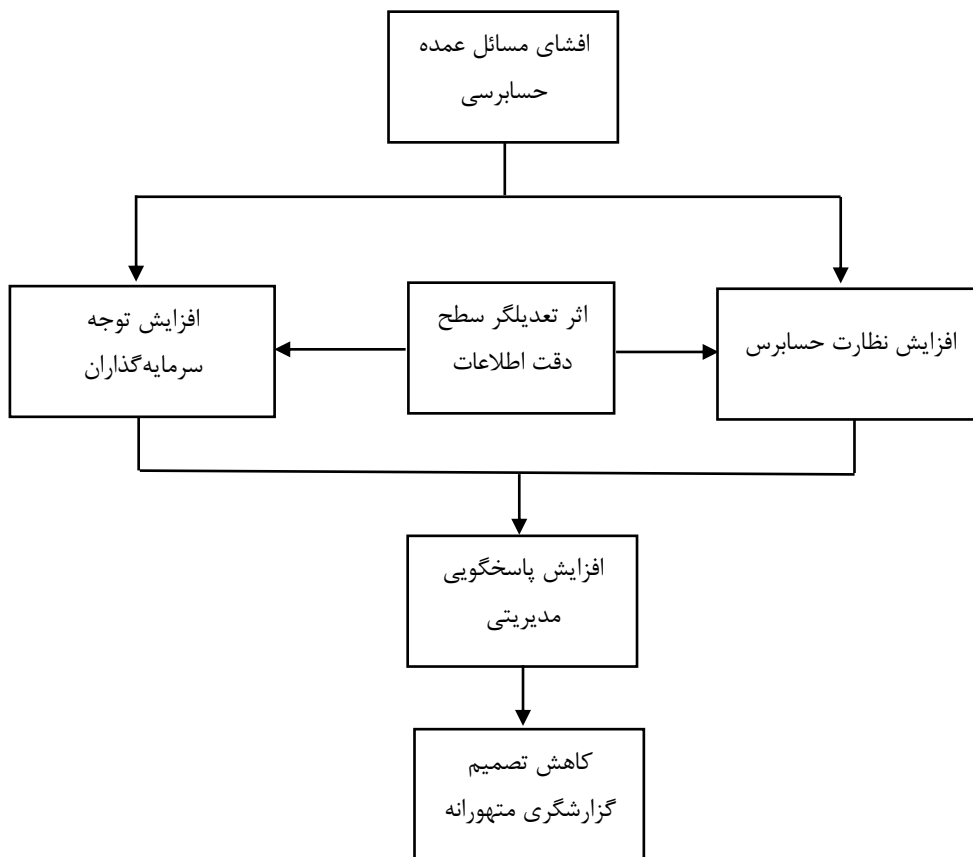
بیشتر اطلاعات در افشای ریسک، منجر به پردازش بیشتر آن‌ها توسط سرمایه‌گذاران و در نتیجه درک بهتر ریسک می‌شود.

می‌توان استدلال کرد که بندهای مسائل عمده حسابرسی که فاقد محتوای خاص شرکت هستند، نسبت به مسائل عمده حسابرسی دارای محتوای خاص شرکت، توجه کمتری از سوی سرمایه‌گذاران جلب می‌کنند و این امر نیز توسط مدیران پیش‌بینی می‌شود. از آنجا که اطلاعات استاندارد شده به‌طور بالقوه ارزش اطلاعاتی مسائل عمده حسابرسی را کاهش می‌دهد، سرمایه‌گذاران احتمالاً زمان و تلاش کمتری برای پردازش و ارزیابی آن‌ها صرف می‌کنند. اگر مسائل عمده حسابرسی به‌شدت استاندارد شده باشند، ممکن است سرمایه‌گذاران آن‌ها را به تراکنش‌های خاص شرکت نسبت ندهند و بلکه آن‌ها را به عنوان ریسک‌های عمومی که در بسیاری از شرکت‌ها رایج هستند، تلقی کنند. بنابراین، انتظار می‌رود که مسائل عمده حسابرسی که فاقد محتوای خاص شرکت هستند (در مقایسه با مسائل عمده حسابرسی دارای محتوای خاص شرکت) تأثیر کمتری بر رفتار گزارشگری مدیران داشته باشند، چرا که مدیران کمتر انتظار دارند قضاوت‌های گزارشگری‌شان از سوی سرمایه‌گذاران مورد بازنگری قرار گیرد.

بر این اساس همانگونه که در مدل مفهومی پژوهش حاضر مشخص شده است، سطح دقت و بر این اساس، انتظار می‌رود که اثر کاهشی افشای مسائل عمده حسابرسی بر احتمال تصمیم‌گیری متهورانه مدیران، در حضور مسائل عمده حسابرسی خاص شرکت (به دلیل تقویت نظارت غیرمستقیم سرمایه‌گذاران) قوی‌تر باشد، در حالی که در مسائل عمده حسابرسی غیرخاص شرکت، این اثر تضعیف شود، زیرا سرمایه‌گذاران تلاش کمتری برای پردازش و بازخواست قضاوت‌های مدیریتی صرف می‌کنند. بدین ترتیب فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود:

فرضیه دوم) شدت اثر منفی افشای مسائل عمده حسابرسی بر احتمال اتخاذ تصمیم گزارشگری مالی متهورانه، در حالتی که مسائل افشاشده حاوی اطلاعات غیرخاص شرکت باشند، به طور معناداری کمتر از حالتی است که مسائل افشاشده حاوی اطلاعات خاص شرکت هستند.

مدل مفهومی پژوهش و ارتباط بین متغیرهای پژوهش به شرح شکل شماره ۱ قابل ارائه است:



شکل شماره ۱. مدل مفهومی پژوهش

۴- روش‌شناسی پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از یک طرح آزمایشی بین‌گروهی با سه سطح دستکاری (۱×۳) استفاده شد. متغیر مستقل پژوهش «نوع افشای مسائل عمده حسابرسی» در سه سطح شامل: (۱) عدم افشای مسائل عمده حسابرسی، (۲) افشای مسائل عمده حسابرسی همراه با اطلاعات خاص شرکت، و (۳) افشای مسائل عمده حسابرسی همراه با اطلاعات غیر خاص شرکت، دستکاری شد. هدف از این طراحی، مقایسه قضاوت و تصمیم‌گیری گزارشگری مدیران در مواجهه با سطوح متفاوت دقت و خاص بودن اطلاعات در بند مسائل عمده حسابرسی است.

جامعه آماری پژوهش متشکل از شاغلین در حرفه حسابداری بوده است. انتخاب نمونه بر اساس دسترسی به افراد جامعه آماری صورت پذیرفت. پرسشنامه اینترنتی از طریق سامانه پرس‌لاین در تابستان ۱۴۰۴ برای ۲۱۰ نفر (۳ گروه ۷۰ نفره) ارسال شد. تخصیص شرکت‌کنندگان به یکی از سه گروه آزمایشی به صورت تصادفی انجام گرفت تا احتمال سوگیری انتخاب کاهش یابد. از آزمون بررسی دستکاری^۱ به منظور کسب اطمینان از اینکه آزمودنی‌های هر گروه با توجه به متغیر مورد دستکاری به پرسش آزمایش پاسخ داده‌اند استفاده شد. برای این منظور پرسشی در مورد آنکه چه موضوعی در افشای مسائل عمده حسابرسی مدنظر قرار گرفته بود پرسیده شد و مواردی که پاسخ صحیح ندهد باید از نمونه حذف شوند. افزون بر این، از آزمون بررسی‌های توجه^۲ برای کسب اطمینان از اینکه آزمودنی‌های هر گروه به دقت راهنمایی نظرسنجی را خوانده‌اند بهره گرفته شد (رز، ۲۰۱۷). بدین‌منظور، آزمودنی‌ها بعد از پاسخ به پرسش‌های پژوهش، به دو پرسش در خصوص «نقش خود در سناریوی پژوهش» و «نوع صنعت مورد فعالیت شرکت مورد مطالعه» پاسخ می‌دهند.

در مجموع ۱۵۸ پاسخ دریافت شد. شایان ذکر است که تعداد ۲۸ نفر به دلیل پاسخ نادرست به پرسش‌های بررسی دستکاری یا آزمون توجه حذف شدند. همچنین با توجه به آنکه کمترین تعداد پس از غربالگری فوق برای گروه ۳ با ۴۰ نفر مشارکت‌کننده اختصاص داشت، تعداد ۱۰ نفر از دو گروه دیگر نیز به صورت تصادفی حذف شدند تا ۳ گروه همگن ۴۰ نفره (در مجموع ۱۲۰ مشارکت‌کننده) داشته باشیم. به‌منظور کاهش اثر متغیرهای مخدوش‌کننده، تخصیص به گروه‌ها به صورت تصادفی انجام شد. همچنین متن سناریو، اطلاعات مالی، انگیزه‌های قراردادی و فشارهای تأمین مالی برای همه گروه‌ها یکسان بود و تنها تفاوت بین گروه‌ها در نوع افشای مسائل عمده حسابرسی بود. امکان مرور اطلاعات برای همه شرکت‌کنندگان فراهم شد تا اثر تفاوت حافظه کوتاه‌مدت کاهش یابد.

اعتبار درونی طرح از طریق دستکاری مستقیم متغیر مستقل، تصادفی‌سازی تخصیص گروه‌ها، یکنواختی اطلاعات سناریو، و اجرای آزمون‌های بررسی دستکاری و توجه تقویت شد. اعتبار بیرونی پژوهش نیز به دلیل استفاده از مشارکت‌کنندگان دارای پیش‌زمینه حسابداری و طراحی سناریوی نزدیک به محیط واقعی گزارشگری و حسابرسی (موضوع کاهش ارزش سرقفلی و فشار تأمین مالی) تا حد قابل‌قبولی پشتیبانی می‌شود، هرچند همانند سایر آزمایش‌های سناریومحور، تعمیم نتایج باید با احتیاط انجام شود.

¹ Manipulation checks

² Attention checks

شرکت‌کنندگان نقش مدیر مالی یک شرکت فرضی پذیرفته‌شده در بورس را ایفا کردند که یک گروه تجاری (شامل شرکت اصلی و ۵ شرکت فرعی) است که در حوزه صنعت فولاد فعالیت دارد. مطالعه موردی با شرح کوتاهی از وضعیت شرکت آغاز می‌شود. شرکت‌کنندگان مطلع شدند که مالکیت و کنترل نهایی این گروه در اختیار یک صندوق بازنشستگی است که موضوع سودآوری و تقسیم سود برای آن اهمیت دارد. شرکت‌کنندگان مطلع شدند که عملکرد گروه در صورت‌های مالی حسابرسی‌نشده سال قبل (۱۴۰۳) نسبت به سال قبل اندکی رشد دارد اما حاشیه سود صنعت با روند کاهشی مواجه است. مشارکت‌کنندگان متوجه شدند که یکی از مسائل پیش‌روی شرکت مربوط به یکی از شرکت‌های فرعی است که دارای ماهیت فعالیت دانش‌بنیان برای تولید کاتالیست‌های صنعتی است و در هنگام خرید مبلغ سرقفلی قابل توجهی بابت آن در صورت‌های مالی تلفیقی شناسایی شده است. لیکن شرکت در سال‌های اخیر با مشکلات عملیاتی و ساختاری مواجه گردید و دچار زیاندهی شده است. سپس گزارش حسابرس در مورد صورت‌های مالی سال مالی گذشته ارائه گردید. شرکت‌کنندگان در دو گروه «وجود مسائل عمده حسابرسی» دریافتند که آزمون کاهش ارزش سرقفلی شرکت تابعه، در گزارش حسابرس در بخش مسائل عمده حسابرسی نیز افشا شده است.

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، افشای مسائل عمده حسابرسی در سه سطح دست‌کاری شد. افشای مسائل عمده حسابرسی با اطلاعات خاص شرکت، افشای مسائل عمده حسابرسی با اطلاعات غیرخاص شرکت، و عدم وجود مسائل عمده حسابرسی. همه شرکت‌کنندگان نسخه‌ای کوتاه‌شده از گزارش حسابرس را دریافت کردند که شامل نظر حسابرسی بود. همچنین در دو گروه نخست بخش مسائل عمده حسابرسی وجود داشت اما در گروه سوم این بخش در گزارش مطرح نشده بود. موضوع سرقفلی در افشای مسائل عمده حسابرسی در گزارش حسابرس به این دلیل انتخاب شد که آزمون کاهش ارزش سرقفلی حوزه‌ای پیچیده در قضاوت‌های گزارشگری مالی است. در شرایط اطلاعات خاص شرکت، توصیف مسائل عمده حسابرسی، شامل اطلاعات ملموسی درباره وضعیت شرکت و توضیحی درباره اینکه چرا آزمون کاهش ارزش سرقفلی در این زمینه خاص یک حوزه کلیدی ریسک محسوب می‌شود، است. در حالی که در شرایط اطلاعات غیرخاص شرکت، تنها یک توصیف کلی از ریسک‌های مرتبط با کاهش ارزش سرقفلی بدون ارجاع به وضعیت خاص شرکت ارائه شده است. متن دقیق دست‌کاری‌های افشای مسائل عمده حسابرسی در ضمیمه «الف» ارائه شده است.

سپس اطلاعات سال جاری شرکت ارائه شد مشارکت‌کنندگان آگاه شدند که شرایط موجود در ۳ ماهه نخست سال ۱۴۰۴، نشانگر تشدید وضعیت نامناسب و کاهش درآمدها و سودآوری شرکت نسبت به دوره‌های مشابه در سال‌های قبل می‌باشد و با تداوم این روند، سود شرکت در

سال ۱۴۰۴ نسبت به سال‌های گذشته با کاهش مواجه خواهد شد. این در حالی است که گروه برنامه‌های توسعه ضروری را در دست اقدام دارد که برای اجرای آن دریافت تسهیلات ضروری است. در صورت کاهش سودآوری شرکت، ممکن است نسبت‌های مالی آن برای دریافت تسهیلات از کفایت لازم برخوردار نباشد. علاوه بر این، به آن‌ها درباره موضوعاتی که در نامه مدیریت (که تنها به صورت داخلی در دسترس است) مورد بحث قرار گرفته، اطلاع داده شد و همگی جمله زیر را خواندند:

«در حسابرسی صورتهای مالی سال ۱۴۰۳ موضوع کاهش ارزش شرکت توان آور مورد پرسش و بررسی حسابرسان قرار گرفت. همچنین در نامه مدیریت حسابرسان که فقط به صورت داخلی در اختیار مدیریت شرکت قرار دارد، حسابرسان درباره یافته‌های مهم حسابرسانی گزارش داده است. در این زمینه، حسابرسان مسائلی مانند قابلیت بازیافت سرقفلی و شناسایی ذخایر بازنشستگی را به عنوان موضوعات دارای عدم قطعیت قابل توجه مورد بحث قرار داده است.»

از آنجا که ارزیابی کاهش ارزش سرقفلی نیازمند قضاوت‌های قابل توجه مدیریت است و مدیران تمایل دارند نتایج مالی مطلوب‌تری تولید کنند (رامانا، ۲۰۰۸؛ رامانا و واتس، ۲۰۱۲). مدیران به طور کلی انگیزه دارند تا از ثبت هزینه‌های کاهش ارزش اجتناب کنند. برای تقویت بیشتر این انگیزه جهت جلوگیری از ثبت زیان کاهش ارزش، به شرکت‌کنندگان گفته شد که ثبت کاهش ارزش سرقفلی در نهایت منجر به اخلاف در دریافت تسهیلات جدید، که برای برنامه‌های توسعه شرکت بسیار حیاتی است، خواهد شد و این موضوع انگیزه قوی‌تری برای مدیریت ایجاد می‌کند تا کاهش ارزش را شناسایی نکند. در ادامه، به شرکت‌کنندگان محدودده‌ای از نرخ‌های تنزیل و نرخ‌های رشد ارائه شد که می‌توان از آن‌ها برای برآوردها استفاده کرد و مقادیر بیشترین (۵۰ میلیارد تومان) و کمترین (۰ میلیارد تومان) هزینه‌های کاهش ارزش را نشان می‌داد. سپس، شرکت‌کنندگان مطلع شدند که با تغییر مقادیر پایه نرخ تنزیل و نرخ رشد، می‌توان از ثبت هزینه‌های کاهش ارزش جلوگیری کرد. همچنین به آن‌ها گفته شد که تغییرات پیشنهادی در برآوردها با استانداردهای گزارشگری مالی مطابقت دارد.

بر اساس اطلاعات موجود در سناریو، از شرکت‌کنندگان خواسته شد یک تصمیم حسابداری اتخاذ کنند، یعنی میزان کاهش ارزش سرقفلی را، در صورت وجود، تعیین کنند. به آن‌ها اطلاع داده شد که می‌توانند اطلاعات صفحات قبلی را قبل از تصمیم‌گیری مرور کنند.

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار استاتا انجام شد. با توجه به اینکه متغیر وابسته پژوهش (میزان زیان کاهش ارزش انتخاب‌شده) یک متغیر کمی

پیوسته است و مقایسه بین گروه‌های مستقل انجام می‌شود، نوع آزمون‌ها بر اساس تعداد گروه‌ها به شرح زیر انتخاب شد:

در آزمون فرضیه اول، هدف مقایسه میانگین متغیر وابسته بین دو گروه مستقل (وجود مسائل عمده حسابرسی در مقابل عدم وجود مسائل عمده حسابرسی) بود. از این‌رو از آزمون t دو نمونه مستقل^۱ استفاده شد. این آزمون زمانی مناسب است که هدف، بررسی معناداری تفاوت میانگین یک متغیر کمی در دو گروه مستقل باشد.

در آزمون فرضیه دوم، با توجه به وجود سه گروه مستقل (افشای خاص شرکت، افشای غیرخاص شرکت، و عدم افشا)، برای مقایسه همزمان میانگین‌ها از تحلیل واریانس یک‌طرفه^۲ استفاده شد. تحلیل واریانس امکان بررسی تفاوت کلی میانگین‌ها را در بیش از دو گروه فراهم می‌کند. پس از معنادار شدن آزمون کلی تحلیل واریانس یک‌طرفه، برای شناسایی محل دقیق تفاوت‌ها بین گروه‌ها، از آزمون‌های مقایسه دوتایی پس‌آزمون^۳ استفاده شد. همچنین پیش از اجرای آزمون‌های آماری، فرض آماری مربوط بررسی شد. برای ارزیابی نرمال بودن توزیع متغیر وابسته در گروه‌ها، از آزمون Shapiro-Wilk استفاده شد. نتایج نشان داد که فرض نرمال بودن داده‌ها در سطح خطای ۵ درصد رد نمی‌شود. همچنین برای بررسی همگنی واریانس‌ها بین گروه‌ها، از آزمون Levene استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که تفاوت معناداری بین واریانس گروه‌ها وجود ندارد؛ بنابراین فرض برابری واریانس‌ها برقرار است و استفاده از آزمون‌های پارامتریک (ANOVA و t) مناسب است.

با توجه به اینکه پژوهش حاضر مبتنی بر یک طرح آزمایشی بین‌گروهی با دستکاری متغیر مستقل در قالب سناریوهای مجزا است، برای آزمون فرضیه‌ها از مقایسه میانگین گروه‌های مستقل استفاده شد. در چنین طراحی‌هایی، آزمون t مستقل و تحلیل واریانس یک‌طرفه از روش‌های استاندارد و پذیرفته‌شده در پژوهش‌های رفتاری و آزمایشی محسوب می‌شوند. از آنجا که تخصیص شرکت‌کنندگان به گروه‌ها به صورت تصادفی انجام شده و متغیرهای سناریو در همه گروه‌ها یکسان نگه داشته شده است، نیاز به کنترل آماری متغیرهای مزاحم از طریق مدل‌های رگرسیونی وجود نداشت. افزون بر این، در طرح‌های عاملی ساده، تحلیل واریانس از نظر آماری معادل مدل‌های رگرسیونی مبتنی بر متغیرهای مجازی و جملات تعاملی است؛ بنابراین، روش انتخاب‌شده امکان آزمون مستقیم و شفاف تفاوت بین شرایط آزمایشی را فراهم می‌کند.

۵- یافته‌های پژوهش

¹ Independent Samples t-test

² One-way ANOVA

³ Post-hoc pairwise comparisons

آمار توصیفی

در جدول شماره ۲ آمار توصیفی مشارکت کنندگان در پژوهش ارائه شده است. تعداد افراد هر گروه ۴۰ نفر و مجموع مشارکت کنندگان ۱۲۰ نفر است. ۸۷/۵ درصد از مشارکت کنندگان، مرد و ۱۲/۵ درصد زن هستند. ۸۷/۵ درصد از مشارکت کنندگان دارای تحصیلات در رشته حسابداری هستند. حدود ۹۷ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. سابقه فعالیت در بین گروه‌های مختلف تقریباً یکسان است. سایر جزئیات آمار توصیفی مشارکت کنندگان در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱. آمار توصیفی مشارکت کنندگان پژوهش

شرح	ویژگی	فراوانی (نفر)	فراوانی نسبی (درصد)
جنسیت	مرد	۱۰۵	۸۷/۵
	زن	۱۵	۱۲/۵
رشته تحصیلی	حسابداری	۹۹	۸۲/۵
	مدیریت مالی	۱۳	۱۰/۸
	اقتصاد	۳	۲/۵
	سایر گرایشهای مدیریت	۵	۴/۲
مقطع تحصیلی	دکتری	۶۴	۵۳/۳
	کارشناسی ارشد	۵۲	۴۳/۳
	کارشناسی MBA/DBA	۳ ۱	۲/۵ ۰/۸
سابقه فعالیت	بیشتر از ۲۰ سال	۲۳	۱۹/۲
	بین ۱۵ تا ۲۰ سال	۱۶	۱۳/۳
	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۲۵	۲۰/۸
	بین ۵ تا ۱۰ سال	۲۷	۲۲/۵
	کمتر از ۵ سال	۲۹	۲۴/۲
آخرین سمت فعالیت	مدیرعامل/عضو هیئت مدیره	۲۷	۲۲/۵
	معاون/مدیر مالی	۲۰	۱۶/۷
	رئیس/کارشناس حسابداری	۲۶	۲۱/۷
	مدیر/کارشناس حسابرسی داخلی	۱۲	۱۰
	سایر	۳۵	۲۹/۲

آزمون فرضیه اول

فرضیه اول پیش‌بینی می‌کند که شفافیت بیشتر از طریق افشای مسائل عمده حسابرسی، سطح پاسخگویی مدیران به اشخاص ثالث را افزایش می‌دهد و این امر منجر به کاهش احتمال تصمیم گزارشگری مالی متهورانه از سوی مدیران گردیده و در نهایت کیفیت گزارشگری مالی را

بهبود می‌بخشد. برای آزمون این فرضیه که اثر وجود (در مقابل نبود) مسائل عمده حسابرسی در گزارش حسابرسی را بررسی می‌کند، نتایج شرایط افشای مسائل عمده با «محتوای خاص شرکت» و «محتوای غیرخاص شرکت» در یک گروه تحت عنوان «وجود مسائل عمده» ترکیب شد. با انجام آزمون t (جدول ۲)، تفاوت معناداری بین میزان زیان کاهش ارزش انتخاب شده توسط شرکت‌کنندگانی که گزارش حسابرسی شامل مسائل عمده حسابرسی را دریافت کردند (میانگین = $۳/۸۰$ ، انحراف معیار = $۰/۹۱۹۵$) و شرکت‌کنندگانی که گزارش حسابرسی بدون مسائل عمده حسابرسی را دریافت کردند (میانگین = $۲/۷۷۵$ ، انحراف معیار = $۱/۵۶$) یافت شد. آماره t تفاوت میانگین برابر با $-۳/۸۳۴۶$ است که در سطح خطای ۱ درصد معنی‌دار است. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که میزان زیان کاهش ارزش شناسایی شده توسط مشارکت‌کنندگانی که گزارش حسابرسی شامل افشای مسائل عمده حسابرسی را دریافت کرده‌اند، به‌طور متوسط بیشتر از گروهی است که چنین افشایی را دریافت نکرده‌اند. با توجه به اینکه شناسایی زیان کاهش ارزش بیشتر نشان‌دهنده رویکرد محافظه‌کارانه‌تر و کاهش رفتار گزارشگری متهورانه است، جهت تفاوت میانگین‌ها با پیش‌بینی نظری پژوهش هم‌راستا بوده و مؤید اثر بازدارنده افشای مسائل عمده حسابرسی بر تصمیم‌های گزارشگری تهاجمی است. بدین ترتیب در سطح اطمینان ۹۹ درصد، فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود.

جدول شماره ۲: آزمون فرضیه اول

تعداد	انحراف معیار	میانگین	گروه
۴۰	۱/۵۶	۲/۷۷۵	عدم افشای مسائل عمده
۸۰	۰/۹۱۹۵	۳/۸۰	افشای مسائل عمده
$۰/۰۰۰۲ P$	آماره t : $-۳/۸۳۴۶$	$-۱/۰۲۵$	تفاوت

به‌منظور تکمیل گزارش نتایج و ارزیابی اهمیت عملی یافته‌ها، علاوه بر معناداری آماری، اندازه اثر و فاصله اطمینان ۹۵ درصد نیز محاسبه شد. در آزمون فرضیه اول، تفاوت میانگین زیان کاهش ارزش بین گروه «افشای مسائل عمده حسابرسی» و «عدم افشا» برابر با $۱,۰۲۵$ بود که فاصله اطمینان ۹۵ درصد آن بین $۰,۵۰$ تا $۱,۵۵$ قرار دارد و صفر را دربر نمی‌گیرد. اندازه اثر بر اساس شاخص d کوهن برابر با $۰,۸۸$ (فاصله اطمینان ۹۵ درصد: $۰,۴۸$ تا $۱,۲۷$) به‌دست آمد که بیانگر اثر بزرگ افشای مسائل عمده حسابرسی بر کاهش رفتار گزارشگری مالی متهورانه است. این یافته نشان می‌دهد که اثر مشاهده شده علاوه بر معناداری آماری، از اهمیت عملی قابل توجهی نیز برخوردار است.

آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم پیش‌بینی می‌کند افزایش شفافیت بند مسائل عمده با افشای اطلاعات با محتوای خاص مرتبط با شرکت، منجر به افزایش اثر کاهنده آن بر تصمیم‌گیری متهورانه می‌گردد. برای آزمون این فرضیه از مقایسه میانگین بین گروهی استفاده شد. مطابق با پنل الف جدول شماره ۳، میانگین کاهش ارزش در گروه «افشای مسائل عمده با محتوای خاص شرکت» برابر با ۴/۰۵، گروه «افشای مسائل عمده با محتوای غیرخاص شرکت» عدد ۳/۵۵ و گروه «عدم افشای مسائل عمده» برابر با ۲/۷۷ می‌باشد. پنل ب جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که آماره‌کای دو برای مقایسه تفاوت میانگین گروه‌ها برابر ۲۷/۸۴ و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۰ است که حاکی از تفاوت معنی‌دار بین میانگین گروه‌ها در سطح اطمینان ۹۹ درصد است. در نهایت پنل ج به مقایسه سه گروه با یکدیگر پرداخته است. بر این اساس اگرچه میانگین دو گروه «افشای مسائل عمده با محتوای خاص شرکت» و «افشای مسائل عمده با محتوای غیرخاص شرکت» تفاوت معنی‌داری با یکدیگر ندارد، لیکن میانگین گروه «افشای با محتوای خاص» در مقابل «عدم افشای مسائل عمده» در سطح خطای ۱ درصد معنی‌دار است و همچنین گروه «افشای با محتوای غیرخاص» در مقابل «عدم افشای مسائل عمده» نیز در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار است. بررسی میانگین‌ها در سه گروه نشان می‌دهد که بیشترین میزان شناسایی زیان کاهش ارزش مربوط به گروه «افشای مسائل عمده حسابرسی با محتوای خاص شرکت» و کمترین مقدار مربوط به گروه «عدم افشا» است. گروه «افشای با محتوای غیرخاص» در موقعیتی بین این دو قرار دارد. این الگو نشان می‌دهد که هرچه اطلاعات افشاشده در بند مسائل عمده حسابرسی خاص‌تر و دقیق‌تر باشد، اثر بازدارندگی آن بر تصمیم گزارشگری متهورانه بیشتر است. بنابراین جهت تفاوت میانگین‌ها نیز با نقش تعدیل‌گر دقت اطلاعاتی همسو است. لذا نتایج جدول شماره ۳، از فرضیه دوم پژوهش نیز حمایت می‌کند.

پنل الف: میانگین کاهش ارزش گروه‌ها			
تعداد	انحراف معیار	میانگین	گروه
۴۰	۰/۶۳	۴/۰۵	افشای مسائل عمده با محتوای خاص
۴۰	۱/۰۸	۳/۵۵	افشای مسائل عمده با محتوای غیرخاص
۴۰	۱/۵۶	۲/۷۷۵	عدم افشای مسائل عمده
پنل ب: آزمون مقایسه گروه‌ها			
آماره F	درجه آزادی	ضریب	شرح
۱۲/۳۲	۲	۳۳/۰۱	بین گروهی
	۱۱۷	۱۵۶/۷۷	درون گروهی
	احتمال: ۰/۰۰۰	آماره کای دو: ۲۷/۸۴	مقایسه گروه‌ها
پنل ج: آزمون تفاوت معنی‌داری			
۰/۱۶۷ :P	آماره t: ۰/۵۰-	گروه «افشای با محتوای خاص» و «افشای محتوای غیرخاص»	
۰/۰۰۰ :P	آماره t: ۱/۲۷۵-	گروه «افشای با محتوای خاص» و «عدم افشای مسائل عمده»	
۰/۰۱۰ :P	آماره t: ۰/۷۷۵-	گروه «افشای با محتوای غیرخاص» و «عدم افشای مسائل عمده»	

همچنین در آزمون فرضیه دوم، اندازه اثر کلی بر اساس شاخص مجذور اتا (η^2) برابر با ۰,۱۷، محاسبه شد؛ بدین معنا که حدود ۱۷ درصد از تغییرات تصمیم‌گزارشگری مالی توسط نوع افشای مسائل عمده حسابرسی تبیین می‌شود که نشان‌دهنده اثر بزرگ دستکاری آزمایشی است. همچنین اندازه اثر مقایسه‌های دوتایی نشان داد که تفاوت بین «افشای خاص شرکت» و «عدم افشا» دارای اثر بزرگ ($d=1.07$)، و تفاوت بین «افشای غیرخاص» و «عدم افشا» و نیز «افشای خاص» و «افشای غیرخاص» دارای اثر متوسط (به ترتیب $d=0.58$ و $d=0.57$) است. در مجموع، این نتایج اهمیت عملی و استحکام یافته‌های پژوهش را تأیید می‌کند.

همچنین برای اطمینان از استحکام یافته‌های پژوهش، تحلیل‌های تکمیلی شامل (۱) اجرای آزمون‌های ناپارامتریک متناظر، و (۲) کنترل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان انجام شد. بر این اساس آزمون‌های ناپارامتریک متناظر اجرا شد که نتایج آن‌ها نیز از فرضیه‌های پژوهش حمایت می‌کند؛ بنابراین یافته‌ها نسبت به مفروضات نرمال بودن توزیع داده‌ها حساس نیستند. افزون بر این، با وارد کردن ویژگی‌های فردی مشارکت‌کنندگان به‌عنوان متغیرهای کنترلی در یک تحلیل تکمیلی، نتایج اصلی بدون تغییر باقی ماند که نشان‌دهنده پایداری اثر دستکاری آزمایشی است.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با بکارگیری روش آزمایشی، با بررسی مزایای بالقوه شفافیت بیشتر در گزارش حسابرسی بر قضاوت و تصمیم‌گیری مدیران، به ادبیات روبه‌رشد مسائل عمده حسابرسی کمک می‌کند. در فرضیه‌های پژوهش با اتکا بر نظریه پاسخگویی و ادبیات مرتبط با شفافیت افشا، چنین پیش‌بینی شد که نگرانی از قضاوت‌های ثانویه ناشی از شفافیت بیشتر، سطح پاسخگویی مدیریتی را افزایش داده و در نتیجه به بهبود کیفیت گزارشگری مالی مدیران منجر می‌شود. همچنین همسو با دغدغه نهادهای نظارتی مبنی بر اینکه افشای مسائل عمده حسابرسی ممکن است به سرعت منجر به گزارش‌های استانداردشده‌تر و کمتر اختصاصی برای هر شرکت شود و از این طریق ارزش اطلاعاتی بخش مسائل عمده حسابرسی کاهش یابد، این پژوهش به بررسی این موضوع پرداخت که چگونه میزان دقت اطلاعات افشاشده در گزارش حسابرسی بر اثربخشی آن در رفتار گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد.

یافته‌های مرتبط با فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد که با وجود یک بند افشای مسائل عمده حسابرسی مرتبط با سرقفلی، مدیران مبلغ بیشتری برای زیان کاهش ارزش سرقفلی انتخاب می‌کنند (در مقایسه با حالتی که چنین بندی وجود ندارد) که نشان می‌دهد انتظار برای توجیه تصمیم نزد دیگران می‌تواند منجر به رفتار گزارشگری مالی کمتر تهاجمی شود. بنابراین مطابق با فرضیه اول پژوهش، مسائل عمده حسابرسی می‌توانند به‌عنوان سازوکاری سودمند برای کاهش رفتار تهاجمی در گزارشگری مالی عمل کنند و در نهایت به کیفیت بالاتر گزارشگری مالی منجر شوند. این یافته‌ها با نتایج رید و همکاران (۲۰۱۹)، که شواهد مستندی درباره بهبود معنادار کیفیت گزارشگری مالی در بریتانیا از طریق افشای مسائل عمده حسابرسی ارائه کرده‌اند، همسو است. علاوه بر این، نتایج با ادبیات شفافیت که نشان می‌دهد افشاهای شفاف می‌تواند به کاهش فعالیت‌های مدیریت سود منجر شود، سازگار است.

همچنین با آزمون فرضیه دوم پژوهش مشخص گردید که تفاوت معناداری در میزان زیان کاهش ارزش سرقفلی بین مدیرانی که مسائل عمده حسابرسی خاص شرکت دریافت کردند و مدیرانی که مسائل عمده حسابرسی غیرخاص دریافت کردند، وجود دارد. بر این اساس مطابق با فرضیه دوم پژوهش، اگرچه مدیران حتی در مورد مسائل عمده حسابرسی با محتوای غیرخاص نیز تمایل کمتری به اتخاذ تصمیمات تهاجمی در گزارشگری نشان دادند (در مقایسه با مدیرانی که گزارشی بدون مسائل عمده حسابرسی دریافت کرده بودند)، لیکن افشای مسائل با محتوای خاص شرکت، اثر کاهنده قوی‌تری بر رفتار گزارشگری مالی متهورانه دارد.

با وجود طراحی آزمایشی کنترل‌شده که امکان استنباط علی و تقویت اعتبار درونی را فراهم می‌کند، نتایج این پژوهش باید با در نظر گرفتن برخی محدودیت‌ها و ملاحظات مربوط به اعتبار

بیرونی تفسیر شود. نخست، پژوهش حاضر اثر افشای مسائل عمده حسابرسی را بر رفتار گزارشگری در خصوص یک مسئله حسابداری مشخص بررسی کرده است؛ از این رو روشن نیست که آیا این اثر به سایر حوزه‌های گزارشگری مالی، به‌ویژه حوزه‌های کمتر شفاف و با احتمال کشف پایین‌تر، یا به سطح کلی رفتار تهاجمی گزارشگری نیز تعمیم‌پذیر است. دوم، اگرچه طراحی آزمایشی امکان کنترل عوامل مزاحم را فراهم می‌کند، تصمیم‌های واقعی مدیران در محیط عملی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی و نهادی قرار دارد؛ از جمله ویژگی‌های شخصیتی، ترجیحات اخلاقی، طرح‌های جبران خدمت، سازوکارهای راهبری شرکتی، قدرت کمیته حسابرسی، کنترل‌های داخلی، ساختار مالکیت و تفاوت‌های قانونی و مقرراتی بین کشورها. این عوامل می‌توانند شدت یا حتی جهت اثر مشاهده‌شده را تعدیل کنند و در این پژوهش به‌طور مستقیم وارد مدل نشده‌اند. سوم، هرچند آزمون‌های انجام‌شده شواهدی از سوگیری ناشی از عدم پاسخگویی نشان نمی‌دهد، احتمال سوگیری انتخاب خودخواسته به‌طور کامل قابل رد نیست. افزون بر این، بخشی از مشارکت‌کنندگان دارای سابقه کاری نسبتاً محدود بوده‌اند که ممکن است بر کیفیت قضاوت حرفه‌ای آنان اثرگذار باشد. در نهایت، تصمیم‌های اتخاذشده در محیط آزمایشی فاقد پیامدهای اقتصادی و حقوقی واقعی بوده‌اند؛ بنابراین تعمیم نتایج به شرایط واقعی که مدیران با فشارهای نهادی و پیامدهای مالی ملموس مواجه‌اند، مستلزم احتیاط است. با این حال، از آنجا که سازوکار مورد بررسی مبتنی بر واکنش رفتاری به افشای اطلاعات حسابرسی است، انتظار می‌رود جهت کلی اثر مشاهده‌شده در محیط‌های تصمیم‌گیری مشابه نیز برقرار باشد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با بهره‌گیری از داده‌های آرشیوی، نمونه‌های حرفه‌ای‌تر، طراحی‌های میدانی و بررسی بسترهای نهادی متفاوت، دامنه تعمیم‌پذیری یافته‌های حاضر را گسترش دهند. در مجموع علیرغم محدودیت‌های بالا، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حضور مسائل عمده حسابرسی در گزارش حسابرسی منجر به رفتار گزارشگری مالی کمتر تهاجمی شده و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی را بهبود می‌بخشد. از منظر کاربردی، یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای نهادهای ناظر و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابرسی در ارزیابی اثربخشی الزام افشای مسائل عمده حسابرسی مورد استفاده قرار گیرد؛ به‌ویژه نتایج نشان می‌دهد تأکید بر دقت و خاص بودن محتوای افشا می‌تواند نقش مهمی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی ایفا کند. همچنین، نتایج پژوهش برای حسابرسان مستقل حاکی از آن است که ارائه افشاهای معنادار و متناسب با شرایط خاص واحد تجاری، می‌تواند از طریق افزایش فشار پاسخگویی ادراک‌شده، رفتارهای گزارشگری متهورانه مدیریت را محدود سازد. در نهایت، مدیران واحدهای تجاری می‌توانند با درک پیامدهای رفتاری افشای مسائل عمده حسابرسی، در قضاوت‌های حسابداری حساس رویکرد محافظه‌کارانه‌تری اتخاذ کرده و ریسک‌های نظارتی و اعتباری آتی را کاهش دهند.

افزون بر این، مسیر مهم دیگری برای پژوهش‌های آتی، بررسی اثرات متقابل افشای مسائل عمده حسابرسی با ویژگی‌های شرکتی و سازوکارهای حاکمیت شرکتی است. اثربخشی مسائل عمده حسابرسی احتمالاً در خلأ رخ نمی‌دهد، بلکه در تعامل با کیفیت سازوکارهای نظارتی درون‌سازمانی و برون‌سازمانی شکل می‌گیرد. برای نمونه، قدرت و تخصص کمیته حسابرسی، استقلال اعضای هیئت‌مدیره، تمرکز مالکیت، حضور سرمایه‌گذاران نهادی، کیفیت کنترل‌های داخلی و سطح راهبری شرکتی می‌تواند شدت اثر بازدارندگی مسائل عمده حسابرسی بر قضاوت‌ها و تصمیم‌های گزارشگری مدیران را تقویت یا تضعیف کند. انتظار می‌رود در شرکت‌هایی با حاکمیت شرکتی قوی، افشای مسائل عمده حسابرسی اثر تکمیلی و تقویتی داشته باشد، در حالی که در شرکت‌های دارای سازوکارهای نظارتی ضعیف، این افشا ممکن است نقش جایگزین و جبرانی ایفا کند. آزمون این تعاملات از طریق مطالعات آرشیوی مبتنی بر داده‌های واقعی شرکت‌ها یا طرح‌های آزمایشی توسعه‌یافته که در آن متغیرهای حاکمیت شرکتی نیز دستکاری یا کنترل می‌شوند، می‌تواند درک دقیق‌تری از شرایط اثرگذاری مسائل عمده حسابرسی فراهم آورد.

۷- تقدیر، تشکر و ملاحظه‌های اخلاقی

نویسنده این مقاله از کلیه مشارکت‌کنندگان و پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه پژوهش، کمال تشکر و قدردانی را دارد.

۸- پیوست‌ها

همانگونه که در روش‌شناسی پژوهش اشاره شد، سناریوی فرضی از یک گروه تجاری برای ۳ گروه طراحی گردید. کلیات سناریوی مورد طراحی به شرح زیر بوده است:

گروه صنعتی «پایدار» شامل شرکت اصلی و ۵ شرکت فرعی، در صنعت فولاد و زنجیره ارزش آن فعالیت می‌کند. شرکت حدود سال ۱۰ است که در بازار بورس پذیرفته شده است و حدود ۲۰ درصد از سهام آن به سهامداران خرد تعلق دارد. مالکیت و کنترل نهایی گروه در اختیار یکی از صندوق‌های بازنشستگی است. به دلیل نیازهای نقدینگی صندوق بازنشستگی، تقسیم سود گروه و پرداخت آن، از معیارهای بااهمیت ارزیابی عملکرد گروه و مدیریت آن محسوب می‌شود. همچنین با توجه به سابقه نسبتاً خوب گروه در سودآوری و تقسیم آن، سهامداران در بازار سرمایه نیز حساسیت بالایی به سودآوری شرکت و سیاست‌های تقسیم سود آن دارد. برخی از مهم‌ترین شاخص‌های مالی شرکت طی دو سال اخیر و نیز پیش‌نویس صورت‌های مالی حسابرسی‌نشده سال ۱۴۰۳ به شرح جدول زیر است:

شرح	سال ۱۴۰۳	سال ۱۴۰۲	سال ۱۴۰۱
-----	----------	----------	----------

(حسابرسی نشده)	(حسابرسی شده)	(حسابرسی شده)	
۲۸۰	۲۵۰	۲۰۰	درآمدهای عملیاتی (میلیارد تومان)
۱۴۰	۱۲۰	۸۰	بهای تمام شده درآمدهای عملیاتی (میلیارد تومان)
۱۴۰	۱۳۰	۱۲۰	سود ناخالص (میلیارد تومان)
۱۰۵	۱۰۰	۸۰	سود عملیاتی (میلیارد تومان)
۸۰	۷۵	۶۰	سود خالص (میلیارد تومان)
۱۰۰ میلیون	۱۰۰ میلیون	۱۰۰ میلیون	تعداد سهام منتشر شده
۸۰۰	۷۵۰	۶۰۰	سود هر سهم (تومان)
۳۲۰۰	۳۰۰۰	۲۵۰۰	قیمت هر سهم در بازار بورس (تومان)
۴	۴	۴,۱۶	نسبت P/E

به دلیل شرایط اقتصادی کلان، حاشیه سود صنعت با کاهش مواجه است و گروه به سختی توانسته است رشد اسمی درآمدها و سودآوری را حفظ کند. شرایط موجود در ۳ ماهه نخست سال ۱۴۰۴، نشانگر تشدید وضعیت نامناسب و کاهش درآمدها و سودآوری شرکت نسبت به دوره‌های مشابه در سال‌های قبل می‌باشد و با تداوم این روند، سود شرکت در سال ۱۴۰۴ نسبت به سال‌های گذشته با کاهش مواجه خواهد شد. این در حالی است که گروه صنعتی پایدار برنامه‌های توسعه ضروری نظیر ساخت نیروگاه برای تأمین برق مورد نیاز را در دست اقدام دارد که با توجه به عدم توانایی سهامداران برای تأمین مالی، این گروه برنامه دریافت تسهیلات برای تأمین مالی طرح‌های توسعه‌ای را در دست اقدام دارد. در صورت کاهش سودآوری شرکت، ممکن است نسبت‌های مالی آن برای دریافت تسهیلات از کفایت لازم برخوردار نباشد.

یکی از موضوعات بااهمیتی که گروه با آن روبرو است، مربوط به شرکت فرعی «توان‌آور» است. این شرکت با هدف تولید برخی کاتالیست‌های مهم صنعتی توسط گروهی از نخبگان دانشگاهی با کمک صندوق‌های حمایتی دولت تأسیس شده بود. هدف این شرکت تولید کاتالیست‌هایی بود که دارای دانش فنی پیچیده‌ای بودند و عمدتاً به صورت وارداتی تأمین می‌شدند. این شرکت پس از تأسیس اولیه توانسته بود مراحل اولیه تحقیق و توسعه را با موفقیت پشت سر بگذارد. با توجه به نیاز استراتژیک گروه صنعتی پایدار به کاتالیست‌های وارداتی و نیز مشکلات در واردات آن به دلیل تشدید تحریم‌های اقتصادی، این گروه تصمیم به خرید شرکت «توان‌آور» برای تأمین داخلی کاتالیست نمود. پس از طی مراحل مختلف و مذاکرات، نهایتاً ۱۰۰ درصد سهام شرکت توان‌آور در ابتدای سال ۱۴۰۰ به مبلغ ۱۰۰ میلیارد تومان خریداری شد. ارزش بازار خالص دارایی‌های شرکت مذکور در

آن تاریخ مبلغ ۲۰ میلیارد تومان بود و بیشتر ارزش شرکت مربوط به دانش فنی و دارایی‌های نامشهود غیرقابل شناسایی در صورت‌های مالی بود. بر این اساس، در خرید این شرکت، مبلغ ۸۰ میلیارد تومان سرقفلی شناسایی گردید. شایان ذکر است که منابع مورد نیاز برای خرید این شرکت عمدتاً از طریق دریافت تسهیلات توسط گروه صنعتی پایدار تأمین گردید. این گروه انتظار داشت بازدهی حاصل از این شرکت بیش از هزینه مالی تسهیلات دریافت شده باشد و خرید آن دارای توجیه اقتصادی مناسبی بود. پس از خرید شرکت توان‌آور، ادامه برنامه توسعه دانش فنی و تجاری‌سازی محصولات به گروه صنعتی پایدار واگذار گردید. علیرغم پیشرفت مناسب برنامه‌های اولیه، به تدریج مشکلات ساختاری، مالی، نیروی انسانی و سایر موارد دیگر در شرکت فرعی توان‌آور ایجاد شده به گونه‌ای که شرکت از سال ۱۴۰۲ دچار زیاندهی شد و برنامه‌های تولید کاتالیست‌ها و توسعه محصولات جدید با تاخیرات عدیده‌ای مواجه گردید. لذا یکی از موضوعات مهم در حسابرسی صورتهای مالی، ضرورت شناسایی زیان کاهش ارزش سرقفلی شرکت توان‌آور به دلیل احتمال کاهش ارزش آن شرکت بوده است. این موضوع در سال ۱۴۰۲ توسط حسابرس مورد اشاره قرار گرفته بود. با توجه به عدم فعالیت شرکت توان‌آور در بورس و عدم وجود قیمت بازار قابل مشاهده برای آن، مدیریت اقدام به بررسی کارشناسی و ارزشگذاری شرکت فرعی نمود. بدین منظور از مدل ارزش‌گذاری جریان نقدی تنزیل شده (DCF) استفاده گردید که نیازمند مفروضات و پیش‌بینی‌هایی در مورد جریان‌های نقدی آتی و نرخ تنزیل بود. مدیریت گروه، برنامه‌های راهبردی و عملیاتی برای اصلاح وضعیت شرکت پیش‌بینی کرده بود که بر مبنای آن وضعیت جریان‌های نقدی شرکت در سال‌های بعد بهبود یافته و کاهش ارزش شرکت توان‌آور موضوعیتی ندارد. در نهایت گزارش حسابرسی صورت‌های مالی سال ۱۴۰۲ به شرح خلاصه زیر از سوی حسابرس ارائه گردید:

گزارش حسابررس مستقل و بازررس قانونی

به مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت پایدار (سهامی عام)

گزارش حسابرسی صورتهای مالی

اظهار نظر

۱. صورتهای مالی شرکت پایدار (سهامی عام) شامل صورت وضعیت مالی به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۴۰۲ و صورتهای سود و زیان، سود و زیان جامع، تغییرات در حقوق مالکانه، و جریانهای نقدی برای سال مالی منتهی به تاریخ مزبور، و یادداشت‌های توضیحی ۱ تا ...، توسط این مؤسسه، حسابرسی شده است.

به نظر این مؤسسه، صورتهای مالی یاد شده، وضعیت مالی شرکت پایدار (سهامی عام) در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۴۰۲ و عملکرد مالی و جریانهای نقدی آن را برای سال مالی منتهی به تاریخ مزبور، از تمام جنبه‌های بااهمیت، طبق استانداردهای حسابداری، به نحو منصفانه نشان می‌دهد.

مبنای اظهار نظر

۲. حسابرسی این مؤسسه طبق استانداردهای حسابرسی انجام شده است. مسئولیت‌های مؤسسه طبق این استانداردها در بخش مسئولیت‌های حسابرس و بازرس قانونی در حسابرسی صورتهای مالی توصیف شده است. این مؤسسه طبق الزامات آیین رفتار حرفه‌ای جامعه حسابداران رسمی، مستقل از شرکت پایدار (سهامی عام) است و سایر مسئولیت‌های اخلاقی را طبق الزامات مذکور انجام داده است. این مؤسسه اعتقاد دارد که شواهد حسابرسی کسب شده به عنوان مبنای اظهار نظر، کافی و مناسب است.

مسائل عمده حسابرسی

۴. منظور از مسائل عمده حسابرسی، مسائلی است که به قضاوت حرفه‌ای حسابرس، در حسابرسی صورتهای مالی دوره جاری، دارای بیشترین اهمیت بوده‌اند. این مسائل در چارچوب حسابرسی صورتهای مالی به عنوان یک مجموعه واحد، و به منظور اظهار نظر نسبت به صورتهای مالی، مورد توجه قرار گرفته‌اند و اظهار نظر جداگانه‌ای نسبت به این مسائل ارائه نمی‌شود. مسائل زیر به عنوان مسائل عمده حسابرسی که در گزارش حسابرس اطلاع‌رسانی می‌شود، تعیین شده‌اند:

نحوه برخورد حسابرس

مسائل عمده حسابرسی

شناسایی زیان کاهش ارزش سرقفلی

در میان سایر روش‌ها، این مؤسسه ارزش‌گذاری سهام شرکت توان‌آور را بررسی کرده است و داده‌های ورودی

در صورتهای مالی تلفیقی گروه صنعتی پایدار، ارزش سرقفلی شرکت توان‌آور، به مبلغ ۶۸ میلیارد تومان گزارش شده است. ما بر این حوزه

مسائل عمده حسابرسی	نحوه برخورد حسابرس
<p>تمرکز کردیم، زیرا مبلغ سرقتی اهمیت زیادی دارد و شامل قضاوت‌های پیچیده و ذهنی از سوی مدیران است. شرکت توان‌آور در سال‌های اخیر با مشکلات عملیاتی مواجه بودن است که مانع از تولید تجاری محصولات مورد نظر بوده است و لذا در سال‌های اخیر دچار زیاندهی شده است. از آنجا که شرکت توان‌آور در بازار بورس فعالیت ندارد و بنابراین قیمت‌های بورسی برای اندازه‌گیری سرقتی قابل استفاده نبودند، برای اولین بار از تکنیک ارزش‌گذاری جریان نقدی تنزیل شده (DCF) استفاده شد. این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، زیرا نتیجه این ارزش‌گذاری تا حد زیادی به ارزیابی مدیریت از جریان‌های نقدی آینده و نرخ تنزیل استفاده‌شده بستگی دارد. بنابراین، ارزش‌گذاری شرکت توان‌آور با عدم اطمینان قابل توجهی همراه است.</p>	<p>استفاده‌شده در ارتباط با تکنیک ارزش‌گذاری را با استفاده از اطلاعات خاص شرکت و همچنین داده‌ها و انتظارات خاص بازار بررسی شده است. به طور کلی، ما معتقدیم که داده‌ها و مفروضات استفاده‌شده توسط مدیریت با انتظارات ما همخوانی دارد.</p>

تأکید بر مطلب خاص

۵. ابهام نسبت به پیامدهای آتی دعاوی حقوقی

توجه مجمع عمومی صاحبان سهام را به یادداشت توضیحی ... صورتهای مالی جلب می‌نماید که در آن، ابهام مربوط به دعاوی حقوقی ... توصیف شده است. مفاد این بند، تأثیری بر اظهارنظر این مؤسسه نداشته است.

۶. پوشش بیمه‌ای دارایی‌های ثابت مشهود

دارایی‌های ثابت مشهود شرکت به بهای تمام شده ... و مبلغ دفتری ... میلیون ریال، به ارزش ... میلیون ریال (یادداشت توضیحی...) از پوشش بیمه‌ای برخوردار است. مفاد این بند، تأثیری بر اظهارنظر این مؤسسه نداشته است.

سایر بندهای توضیحی

حسابرسی سال گذشته

۷. صورت‌های مالی شرکت برای سال منتهی به ۲۹ اسفند ۱۴۰۱ توسط حسابرس دیگری حسابرسی شده است و در گزارش مورخ ۳۱ خرداد ۱۴۰۲ حسابرس مذکور، اظهارنظر تعدیل نشده (مقبول) ارائه شده است.

سایر اطلاعات

۸. مسئولیت سایر اطلاعات با هیئت مدیره شرکت است. سایر اطلاعات شامل گزارش تفسیری مدیریت است. اظهارنظر این مؤسسه نسبت به صورت‌های مالی، به سایر اطلاعات تسری ندارد و لذا این مؤسسه نسبت به آن هیچ نوع اطمینانی ارائه نمی‌کند.

در حسابرسی صورت‌های مالی سال ۱۴۰۳ موضوع کاهش ارزش شرکت توان‌آور مورد پرسش و بررسی حسابرس قرار گرفت. همچنین در نامه مدیریت حسابرس که فقط به صورت داخلی در اختیار مدیریت شرکت قرار دارد، حسابرس درباره یافته‌های مهم حسابرسی گزارش داده است. در این زمینه، حسابرس مسائلی مانند قابلیت بازیافت سرقفلی و شناسایی ذخایر بازنشستگی را به عنوان موضوعات دارای عدم قطعیت قابل توجه مورد بحث قرار داده است. مدیریت مالی شرکت به عنوان مسئول تهیه گزارش ارزشگذاری جدید تعیین گردید. مهم‌ترین مفروضات موثر بر ارزشگذاری شامل نرخ رشد درآمدها و نرخ تنزیل است. حسب گزارش اولیه تهیه شده بر مبنای مفروضات واقع‌بینانه از وضعیت شرکت (نرخ رشد ۵ درصد درآمد و نرخ تنزیل ۳۰ درصد) با توجه به عدم عملیاتی شدن برنامه‌های تعیین شده قبلی در طی یک سال اخیر، امکان تغییر قابل ملاحظه در فعالیت شرکت وجود نداشت و با توجه به ارزشگذاری به عمل آمده، می‌بایست در صورت‌های مالی سال ۱۴۰۳ شرکت مبلغ ۴۰ میلیارد تومان زیان کاهش ارزش شناسایی می‌گردید. در صورت بروز برخی شرایط حادثتر (که در سالهای اخیر چندان دور از انتظار نبوده است)، نظیر عدم رشد درآمدها و یا افزایش نرخ تنزیل به ۴۰ درصد، شناسایی زیان کاهش ارزش می‌توانست تا ۶۴ میلیارد تومان (معادل مانده دفتری آن) افزایش یابد.

پس از ارائه گزارش به هیأت مدیره، این گزارش مورد مخالفت و اعتراض قرار گرفت. هیأت مدیره معتقد بود شناسایی این زیان در سال جاری سبب کاهش قابل توجه سود شرکت می‌شود و این موضوع هم تأثیر منفی بر قیمت سهام در بورس گذاشته و هم سبب اعتراض مالکین گروه به مدیریت شرکت می‌گردد. همچنین در دریافت تسهیلات برای اجرای برنامه‌های توسعه‌ای شرکت نیز اخلاص ایجاد می‌کند. لذا مقرر شد یک ارزشگذاری جدید با توجه به در نظر گرفتن برنامه‌های تحول ساختاری و عملیاتی در شرکت «توان‌آور» صورت پذیرفته و این گزارش به حسابرس ارائه گردد.

مدیریت مالی شرکت در تهیه گزارش کارشناسی ارزشگذاری جدید از مفروضات بسیار خوش‌بینانه‌ای در مورد فعالیت‌های آتی شرکت توان‌آور استفاده نمود. این مفروضات شامل برنامه‌های تجدید ساختار و توسعه محصولات جدیدی بود که می‌توانست زیاندهی شرکت را مرتفع و سودآوری مناسبی برای آن در آینده ایجاد کند. حسب این گزارش، شناسایی زیان کاهش ارزش سرقفلی برای این شرکت موضوعیت نداشت. این گزارش در اختیار حسابرس گروه قرار گرفت و جلساتی توسط مدیریت مالی و مدیرعامل شرکت برای اقناع حسابرس و تشریح برنامه‌های تحول در شرکت توان‌آور برگزار گردید. شایان ذکر است که گزینه‌های مختلف مدیریت برای مفروضات اصلی مورد استفاده در گزارش ارزشگذاری (شامل نرخ رشد درآمدها و نرخ تنزیل) در دامنه و چارچوب استانداردهای حسابداری قرار دارد.

مدیریت مالی شرکت متعقد است که مفروضات مورد استفاده در گزارش جدید چندان واقع‌بینانه نیست و با توجه به شرایط دشوار در عرصه بین‌المللی و فشارهای وارد شده به کسب‌وکارها، امکان عملیاتی شدن بسیار از برنامه‌ها وجود ندارد و لذا حتی در صورت عدم شناسایی زیان کاهش ارزش در سال جاری، شناسایی آن در سال بعد گریزناپذیر خواهد بود. از سوی دیگر، شرایط فعالیت در سال جاری به گونه‌ای است که کاهش سود شرکت در سال ۱۴۰۴ نسبت به سال قبل در حالت عادی (بدون شناسایی زیان کاهش ارزش) بسیار محتمل است. در این شرایط مدیریت مالی شرکت با چند گزینه شامل تصمیم متهوارنه عدم شناسایی زیان در سال جاری، شناسایی بخشی از زیان در سال جاری و انتقال باقی آن به سال‌های بعد یا شناسایی کل زیان در سال جاری روبرو است.

موضوع اصلی تفاوت در این سه گروه، مربوط به افشای مسائل عمده حسابرسی مرتبط با موضوع مورد تصمیم‌گیری مشارکت‌کنندگان (شناسایی مبلغ زیان کاهش ارزش سرقفلی) است که برای یک گروه بندی در خصوص مسائل عمده افشا نشده بود و برای دو گروه دیگر بند افشای مسائل عمده به شرح زیر بود:

گروه افشای مسائل عمده با محتوای خاص شرکت

در صورت‌های مالی تلفیقی گروه صنعتی پایدار، ارزش سرقفلی شرکت توان‌آور، به مبلغ ۶۸ میلیارد تومان گزارش شده است. ما بر این حوزه تمرکز کردیم، زیرا مبلغ سرقفلی اهمیت زیادی دارد و شامل قضاوت‌های پیچیده و ذهنی از سوی مدیران است. شرکت توان‌آور در سال‌های اخیر با مشکلات عملیاتی مواجه بودن است که مانع از تولید تجاری محصولات مورد نظر بوده است و لذا در سال‌های اخیر دچار زیاندهی شده است. از آنجا که شرکت توان‌آور در بازار بورس فعالیت ندارد و بنابراین قیمت‌های بورسی برای اندازه‌گیری سرقفلی قابل استفاده نبودند، برای اولین بار از تکنیک ارزش‌گذاری جریان نقدی تنزیل شده (DCF) استفاده شد. این موضوع از اهمیت

ویژه‌ای برخوردار بود، زیرا نتیجه این ارزش‌گذاری تا حد زیادی به ارزیابی مدیریت از جریان‌های نقدی آینده و نرخ تنزیل استفاده‌شده بستگی دارد. بنابراین، ارزش‌گذاری شرکت توان‌آور با عدم اطمینان قابل توجهی همراه است.

گروه افشای مسائل عمده با محتوای غیرخاص شرکت

سرقفلی حداقل یک بار در طول سال مالی و همچنین در صورت وجود نشانه‌هایی از نیاز به استهلاک خارج از برنامه در طول سال، تحت آزمون کاهش ارزش قرار می‌گیرد تا نیاز احتمالی به استهلاک مشخص شود. نتیجه این ارزش‌گذاری‌ها تا حد زیادی به ارزیابی مدیریت از جریان‌های نقدی آینده و نرخ‌های تنزیل استفاده‌شده در هر مورد بستگی دارد. به دلیل پیچیدگی ذاتی ارزش‌گذاری و دامنه اختیاری موجود در این فرآیند، آزمون کاهش ارزش سرقفلی یکی از مهم‌ترین مسائل در حسابرسی ما بود.

چهار پرسش پژوهش از مشارکت‌کنندگان به شرح زیر بوده است:

فرض کنید شما در جایگاه مدیر مالی شرکت قرار دارید. با توجه به اطلاعات سناریوی شرکت به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

پرسش اول) همان‌گونه که اشاره شد، در شرایط واقع‌بینانه با توجه به آنکه امکان افزایش درآمد‌های شرکت توان‌آور چندان متصور نیست و بالا بودن نرخ تورم نشانگر عدم کاهش نرخ تنزیل است، زیان کاهش ارزش سرقفلی حداقل به مبلغ ۴۰ میلیارد تومان باید شناسایی شود. همچنین دور از انتظار نیست که با توجه به افزایش ریسک‌های سیاسی نرخ تنزیل به ۴۰ درصد افزایش یافته و درآمد‌های شرکت توان‌آور هیچ‌گونه افزایشی نداشته باشد، که در این شرایط باید ۵۰ میلیارد تومان زیان کاهش ارزش سرقفلی شناسایی نمود. به نظر می‌رسد در صورت عدم شناسایی زیان در صورت‌های مالی سال ۱۴۰۳، شناسایی آن در صورت‌های مالی سال ۱۴۰۴ غیرقابل اجتناب باشد. شما به عنوان مقام ارشد مالی شرکت در حال نهایی کردن صورت‌های مالی شرکت برای ارائه به حسابرس و تنفیذ اعضای هیئت مدیره و انتشار آن هستید. با توجه به مجموع شرایط تشریح شده شرکت و گزارش حسابرسی سال ۱۴۰۲ کدام گزینه را انتخاب خواهید کرد؟

- ۱) شناسایی زیان کاهش ارزش سرقفلی به مبلغ ۵۰ میلیارد تومان به دلیل محتمل بودن عدم افزایش درآمد شرکت فرعی و افزایش نرخ تنزیل
- ۲) شناسایی زیان کاهش ارزش سرقفلی به مبلغ ۴۰ میلیارد تومان با فرض نرخ رشد ۵ درصدی درآمد‌های شرکت فرعی و عدم تغییر نرخ تنزیل
- ۳) شناسایی زیان کاهش ارزش سرقفلی به مبلغ ۳۰ میلیارد تومان با فرض نرخ رشد ۱۰ درصدی درآمد‌های شرکت فرعی و عدم تغییر نرخ تنزیل

- ۴) شناسایی زیان کاهش ارزش سرقفلی به مبلغ ۲۰ میلیارد تومان با فرض نرخ رشد ۲۰ درصدی درآمدهای شرکت فرعی و کاهش نسبی نرخ تنزیل
- ۵) شناسایی زیان کاهش ارزش سرقفلی به مبلغ ۱۰ میلیارد تومان با فرض نرخ رشد ۲۵ درصدی درآمدهای شرکت فرعی و کاهش نسبی نرخ تنزیل
- ۶) عدم شناسایی زیان کاهش ارزش سرقفلی با فرض نرخ رشد بیش از ۳۰ درصد درآمدهای شرکت فرعی و عدم تغییر نرخ تنزیل

پرسش دوم) کدام موضوع به عنوان مسائل عمده حسابرسی مطرح گردیده بود؟

- ۱) پیش‌بینی‌های مربوط به ذخایر بازنشستگی
- ۲) آزمون کاهش ارزش سرقفلی
- ۳) مالیات‌های معوق بر زیان
- ۴) هیچ‌یک بند مسائل عمده حسابرسی افشا نشده بود

پرسش سوم) نقش شما در این پژوهش چه بود؟

- ۱) مدیرعامل
- ۲) مدیر مالی
- ۳) مدیر حسابرسی داخلی
- ۴) حسابرس مستقل

پرسش چهارم) صنعت مورد فعالیت شرکت مورد مطالعه چه بود؟

- ۱) پتروشیمی
- ۲) پالایشگاهی
- ۳) فولاد
- ۴) سیمان

فهرست منابع

اسکندر، هدی و صافدل، عرفان. (۱۴۰۳)، فرآیند افشای مسائل عمده حسابرسی در گزارش حسابرس: نظریه داده‌بنیاد، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال چهاردهم، شماره ۳، صص ۴۵-۷۴.

افخمی، محمد و فاضلی، نقی. (۱۴۰۳)، تأثیر افشای مسائل عمده حسابرسی در گزارش حسابرسی مستقل بر حق الزحمه حسابرسی و تأخیر در صدور گزارش حسابرسی، نشریه پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۸-۲۹.

آقایی، محمدعلی؛ رضا زاده، جواد؛ اسماعیلی نسب، مریم؛ میرهادی، سید امیرحسین. (۱۴۰۱)، بررسی عوامل روانشناسی تأثیرگذار بر قصد فردی در هر یک از روش‌های مدیریت سود: کاربرد تئوری رفتار برنامه ریزی شده، نشریه حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره هفتم، شماره ۱۴، صص ۲۸۹-۳۲۵.

قائم، محمدحسین؛ براز، ملیکا؛ شاهسون، منیره. (۱۴۰۳)، بررسی محتوا و عوامل مؤثر بر افشای مسائل عمده حسابرسی: نخستین سال اجرای استاندارد ۷۰۱ حسابرسی در ایران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال سی و یکم، شماره ۱، صص ۱۵۴-۱۸۱.

حیدری، زهره و مشایخ، شهناز. (۱۴۰۴)، پیامدهای افشای مسائل عمده حسابرسی بر قضاوت و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال پانزدهم، شماره ۱، صص ۵۳-۸۴.

ختن‌لو، محسن؛ عبدی، مصطفی؛ کاظمی علوم، مهدی. (۱۴۰۳)، تأثیر تنوع جنسیتی شریک مؤسسه حسابرسی بر افشای مسائل عمده حسابرسی، نشریه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال نهم، شماره ۱۹، صص ۴۷-۷۸.

ختن‌لو، محسن؛ کاظمی علوم، مهدی؛ نادری، محمد. (۱۴۰۴)، دیدگاه حسابرسان درباره نحوه افشای مسائل عمده حسابرسی در گزارش حسابرسی مستقل، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال سی و دوم، شماره ۱۲۰، صص ۳۱۰-۳۴۲.

شاهسون، منیره؛ حبیبی، هژیر؛ حسینی، محمدصادق. (۱۴۰۴)، ارزیابی پس از اجرای استاندارد حسابرسی ۷۰۱ در سطح صنایع: زمان صدور گزارش حسابرسی مستقل، نشریه پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۱۴۲-۱۶۷.

Agoglia, C. P., T. S. Doupnik. and G. T. Tsakumis. 2011. Principles-Based versus Rules-Based Accounting Standards: The Influence of Standard Precision and Audit Committee Strength on Financial Reporting Decisions. *The Accounting Review* 86(3): 747-767.

- Asbahr, K., and K. Ruhnke. 2019. Real effects of reporting key audit matters on auditors' judgment and choice of action. *International Journal of Auditing*, 23(2): 165–180.
- Ashton, R. H. 1992. Effects of justification and a mechanical aid on judgment performance. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 52(2): 292–306.
- Backof, A. G. K. Bowlin. and B. M. Goodson. 2022. The importance of clarification of auditors, responsibilities under the new audit reporting standards, *contemporary accounting research* 18 (1): 10-23
- Bédard, J., N. Gonthier-Besacier. and A. Schatt. 2019. Consequences of Expanded Audit Reports: Evidence from the Justifications of Assessments in France. *AUDITING: A Journal of Practice & Theory* 38(3): 23–45.
- Boolaky, P. K., and R. Quick. 2016. Bank Directors' Perceptions of Expanded Auditor's Reports. *International Journal of Auditing* 20(2): 158–174.
- Bozanic, Z., D. T. Roulstone. and A. Van Buskirk. 2018. Management earnings forecasts and other forward-looking statements. *Journal of Accounting and Economics* 65(1): 1–20.
- Brasel, K., M. M. Doxey. J. H. Grenier. and A. Reffett. 2016. Risk Disclosure Preceding Negative Outcomes: The Effects of Reporting Critical Audit Matters on Judgments of Auditor Liability. *The Accounting Review* 91(5): 1345–1362.
- Camacho-Miñano, M. M., N. Muñoz-Izquierdo. M. Pincus. and P. Wellmeyer. 2024. Are key audit matter disclosures useful in assessing the financial distress level of a client firm? *The British Accounting Review* 56(2): 101200.
- Cameran, M., and D. Campa. 2025. Key audit matters as insights into auditors' professional judgement: Evidence from the European Union. *Journal of Accounting and Public Policy* 51: 107311.
- Campbell, J. L., H. Chen. D. S. Dhaliwal. H. Lu. and L. B. Steele. 2014. The information content of mandatory risk factor disclosures in corporate filings. *Review of Accounting Studies* 19(1): 396–455.
- Carcello, J. V. 2012. What do investors want from the standard audit report? *The CPA Journal* 82(1): 22–28.
- Carver, B., L. Muriel. and B. S. Trinkle. 2023. Does the reporting of critical audit matters affect nonprofessional investors' perceptions of auditor

- credibility, information overload, audit quality, and investment risk?. *Behavioral Research in Accounting* 35(1): 21-44.
- Carver, B. T., and B. S. Trinkle. 2017. Nonprofessional investors' reactions to the PCAOB's proposed changes to the standard audit report. Available at SSRN 2930375.
- Cassell, C. A., L. A. Myers. and T. A. Seidel. 2015. Disclosure transparency about activity in valuation allowance and reserve accounts and accruals-based earnings management. *Key Takeaways and Overarching Themes: A Foreward 2014 AOS Conference on Accounting Estimates Special Issue* 46: 23–38.
- Christensen, B. E., S. M. Glover. and C. J. Wolfe. 2014. Do Critical Audit Matter Paragraphs in the Audit Report Change Nonprofessional Investors' Decision to Invest? *AUDITING: A Journal of Practice & Theory* 33(4): 71–93.
- Church, B. K., R. Lynn Hannan. and X. J. Kuang. 2014. Information Acquisition and Opportunistic Behavior in Managerial Reporting. *Contemporary Accounting Research* 31(2): 398–419.
- Cohen, J. R., G. Krishnamoorthy. M. Peytcheva and A. M. Wright. 2013. How Does the Strength of the Financial Regulatory Regime Influence Auditors' Judgments to Constrain Aggressive Reporting in a Principles-Based Versus Rules-Based Accounting Environment? *Accounting Horizons* 27(3): 579–601.
- Cohen, D., A. Dey, and T. Lys. ۲۰۰۵. The Sarbanes Oxley Act of ۲۰۰۲: Implications for Compensation Structure and Risk-Taking Incentives of CEOs. Working paper, New York University, The University of Chicago, and Northwestern University.
- Dhull, S., N. Gonthier-Besacier. and T. Jérôme. 2025. Key audit matters disclosures from a legitimacy perspective: A European analysis. *The British Accounting Review*, 101700.
- Elliott, W. B., K. Fanning. and M. E. Peecher. 2020. Do investors value higher financial reporting quality, and can expanded audit reports unlock this value? *The Accounting Review* 95 (2): 141–165.
- Evans, J. H., R. L. Hannan. R. Krishnan. and D. V. Moser. 2001. Honesty in Managerial Reporting. *The Accounting Review* 76(4): 537–559.
- Fields, T. D., T. Z. Lys. and L. Vincent. 2001. Empirical research on accounting choice. *Journal of Accounting and Economics* 31(1): 255–307.

- Ford, J. K., and E. Weldon. 1981. Forewarning and Accountability. *Personality and Social Psychology Bulletin* 7(2): 264–268.
- Gaynor, L. M., L. S. McDaniel. and T. L. Neal. 2006. The Effects of Joint Provision and Disclosure of Nonaudit Services on Audit Committee Members' Decisions and Investors' Preferences. *The Accounting Review* 81(4): 873–879.
- Gimbar, C., B. Hansen. and M. E. Ozlanski. 2016. The Effects of Critical Audit Matter Paragraphs and Accounting Standard Precision on Auditor Liability. *The Accounting Review* 91(6): 1629–1646.
- Gold, A., M. Heilmann. C. Pott. and J. Rematzki. 2020. Do key audit matters impact financial reporting behavior? *International Journal of Auditing* 24(2): 232–244.
- Gutierrez, E., M. Minutti-Meza. K. W. Tatum. and M. Vulcheva. 2018. Consequences of adopting an expanded auditor's report in the United Kingdom. *Review of Accounting Studies* 23(4): 1543–1587.
- Hirshleifer, D., and S. H. Teoh. 2003. Limited attention, information disclosure, and financial reporting. *Journal of Accounting and Economics* 36 (1–3): 337–386.
- Hirst, D. E., and P. E. Hopkins. 1998. Comprehensive Income Reporting and Analysts' Valuation Judgments. *Journal of Accounting Research* 36: 47–75.
- Hope, O.-K., D. Hu, and H. Lu. 2016. The benefits of specific risk-factor disclosures. *Review of Accounting Studies*, 21(4): 1005–1045.
- IAASB .2015. International standard on auditing (ISA) 701, communicating key audit matters in the independent Auditor's report. New York, N. Y.
- Jensen, M. C., and W. H. Meckling. 1976. Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics* 3(4): 305–360.
- Kachelmeier, S. J., J. J. Schmidt. and K. Valentine. 2017. The disclaimer effect of disclosing critical audit matters in the auditor's report. Working Paper, University of Texas at Austin.
- Kachelmeier, S. J., D. Rimkus. J. J. Schmidt and K. Valentine. 2020. The Forewarning Effect of Critical Audit Matter Disclosures Involving Measurement Uncertainty. *Contemporary Accounting Research* 37(4): 2186–2212.

- Katz, D. 2013. Robust auditor reports lure investors. CFO Magazine
- Köhler, A., N. Ratzinger-Sakel. and J. Theis. 2020. The Effects of Key Audit Matters on the Auditor's Report's Communicative Value: Experimental Evidence from Investment Professionals and Non-professional Investors. *Accounting in Europe* 17(2): 105–128.
- Kotowitz, Y. 2008. Moral hazard. In *The new Palgrave dictionary of economics* (Living ed.). New York: Palgrave Macmillan.
- Kravet, T., and V. Muslu. 2013. Textual risk disclosures and investors' risk perceptions. *Review of Accounting Studies* 18(4): 1088–1122.
- Mero, N. P., and S. J. Motowidlo. 1995. Effects of rater accountability on the accuracy and the favorability of performance ratings. *Journal of Applied Psychology* 80(4): 517–524.
- Lee, Y.J., K. R. Petroni. and M. Shen. 2006. Cherry Picking, Disclosure Quality, and Comprehensive Income Reporting Choices: The Case of Property-Liability Insurers. *Contemporary Accounting Research* 23(3): 655–692.
- Lennox, C. S., J. J. Schmidt and A. Thompson. 2019. Are expanded audit reports informative to investors? Evidence from the U.K. SSRN Electronic Journal. Working paper.
- Libby, T., S. E. Salterio. and A. Webb. 2004. The Balanced Scorecard: The Effects of Assurance and Process Accountability on Managerial Judgment. *The Accounting Review* 79(4): 1075–1094.
- Moroney, R., S.Y. Phang and X. Xiao. 2021. When Do Investors Value Key Audit Matters? *European Accounting Review* 30(1): 63–82.
- PCAOB. 2017. The auditor's report on an audit of financial statements when the auditor expresses an unqualified opinion and related amendments to PCAOB standards. PCAOB Release No. 2017-001. Retrieved from <https://pcaobus.org/Rulemaking/Docket034/2017001-auditors-report-final-rule.pdf>
- Pitesa, M., and S. Thau, 2013. Masters of the universe: How power and accountability influence self-serving decisions under moral hazard. *Journal of Applied Psychology* 98(3): 550–558.
- Ramanna, K. 2008. The implications of unverifiable fair-value accounting: Evidence from the political economy of goodwill accounting. *Economic Consequences of Alternative Accounting Standards and Regulation* 45(2): 253–281.

- Ramanna, K., and R. L. Watts. 2012. Evidence on the use of unverifiable estimates in required goodwill impairment. *Review of Accounting Studies* 17(4): 749–780.
- Rapley, E. T., J. C. Robertson. and J. L. Smith. 2021. The effects of disclosing critical audit matters and auditor tenure on nonprofessional investors' judgments. *Journal of Accounting and Public Policy* 40(5): 106847.
- Reid, L. C., J. V. Carcello. C. Li. and T. L. Neal. 2019. Impact of Auditor Report Changes on Financial Reporting Quality and Audit Costs: Evidence from the United Kingdom. *Contemporary Accounting Research* 31(4): 1501-1539.
- Rose, J. M., C. R. Mazza. C. S. Norman. and A. M. Rose. 2013. The influence of director stock ownership and board discussion transparency on financial reporting quality. *Accounting, Organizations and Society* 38(5): 397–405.
- Rose, J. 2017. Manipulation and attention checks in behavioral accounting research. T. Libby, and L. Thorne eds; *The Routledge Companion to Behavioural Accounting Research* (Routledge, New York, NY): 125–133.
- Rozelle, R. M., and J. C. Baxter. 1981. Influence of role pressures on the perceiver: Judgments of videotaped interviews varying judge accountability and responsibility. *Journal of Applied Psychology* 66(4): 437–441.
- Rus, D., D. van Knippenberg. and B. Wisse. 2012. Leader power and selfserving behavior: The Moderating Role of Accountability. *The Leadership Quarterly* 23(1): 13–26.
- Siegel-Jacobs, K., and J. F. Yates. 1996. Effects of Procedural and Outcome Accountability on Judgment Quality. *Organizational Behavior and Human Decision Processes* 65(1): 1–17.
- Sirois, L. P., J. Bédard. and P. Bera. 2018. The Informational Value of Key Audit Matters in the Auditor's Report: Evidence from an Eye-Tracking Study. *Accounting Horizons* 32(2): 141–162.
- Turner, J. L., T. J. Mock. P. J. Coram. and G. L. Gray. 2010. Improving Transparency and Relevance of Auditor Communications with Financial Statement Users. *Current Issues in Auditing* 4(1): 1-8.
- Tetlock, P. E. 1983. Accountability and complexity of thought. *Journal of Personality and Social Psychology* 45(1): 74–83.

-
- Tetlock, P. E. 1985. Accountability: A Social Check on the Fundamental Attribution Error. *Social Psychology Quarterly* 48(3): 227–236.
- Tetlock, P. E., and R. Boettger. 1989. Accountability: A social magnifier of the dilution effect. *Journal of Personality and Social Psychology* 57(3): 388–398.
- Tetlock, P. E., and J. I. Kim. 1987. Accountability and judgment processes in a personality prediction task. *Journal of personality and social psychology* 52(4): 700.
- Tetlock, P. E., and J. S. Lerner. 1987. The social contingency model: Identifying empirical and normative boundary conditions on the error-and bias portrait of human nature. In S. Chaiken, & Y. Trope (Eds.), *Dual process models in social psychology*. New York, NY: Guilford Press.
- Tysiac, K. 2014. Preparers oppose PCAOB's plan for more auditor disclosures. Retrieved from <https://www.journalofaccountancy.com/news/2014/jan/20149360.html>
- Wee Goh, B., J. Lee. D. Li. and M. Wang. 2024. Informativeness of Key Audit Matters: Evidence from China. *A Journal of Practice & Theory* 43 (3): 139–16

